

# جیانگ زمین طبق قوانین حقوقی، مسئول شکنجه گسترده پیروان فالون گونگ است

مه ۲۰۱۶ / بنیاد حقوق بشر

## ۱. مقدمه

جیانگ زمین مسئول سلسله عملیات دوژنگ علیه پیروان فالون گونگ در چین است. این سلسله عملیات شکنجه (از جمله برداشت گسترده اعضای بدن)، نسل کشی، سایر جنایات علیه بشریت، رفتار تحقیرآمیز و غیرانسانی، بازداشت و حبس غیرقانونی را شامل می‌شود. این جنایات طبق دستور، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و مدیریت وی و به‌عنوان بخشی از تصمیم وی برای ریشه‌کن کردن فالون گونگ در چین صورت گرفت. این گزارش نگاهی به نقش جیانگ در سلسله عملیات شکنجه دوژنگ علیه فالون گونگ دارد. گزارش بعدی به بررسی نقش او در ارتکاب نسل کشی و سایر خشونت‌های فاحشی می‌پردازد که در این پاراگراف به آنها اشاره شده است.

## ۲- شکنجه: یک مورد آزمایشی

قابل‌قبول‌ترین تعریف رایج از شکنجه، تعریفی است که در کنوانسیون شکنجه آمده است. تعریف شکنجه در ماده ۱ کنوانسیون شکنجه به شرح زیر است:

هر عملی که به‌واسطه آن درد و رنجی شدید، خواه جسمی یا روحی، عمداً بر فردی تحمیل شود، آن هم برای اهدافی چون کسب اطلاعات یا اعتراف‌گیری از او یا از یک شخص ثالث، یا با هدف تنبیه او به دلیل عملی که او یا شخص ثالثی مرتکب شده، یا مظنون به ارتکاب آن است، یا با هدف ارباب و واداشتن او یا شخص ثالثی (به انجام کاری)، و بنابر دلایل تبعیض‌آمیز از هر نوع [شکنجه محسوب می‌شود]، به‌ویژه هنگامی که چنین درد و رنجی از سوی یک مقام یا فرد دیگری برخوردار از سمتی رسمی یا به تحریک یا رضایت یا قبول وی اعمال شده باشد.<sup>۱</sup>

شکنجه پیروان فالون گونگ در چین به‌طور گسترده و نظام‌مند همچنان ادامه دارد. بنیاد قانونی حقوق بشر (HRLF) هر روزه عکس‌ها و گزارش‌های دست‌اولی از سوءرفتار را از سوی پیروان فالون گونگ دریافت می‌کند. شکنجه عمداً برای گرفتن اعتراف از طریق شیوه‌های تبدیل اجباری مذهبی و نیز برای گرفتن اطلاعات در خصوص محل زندگی و فعالیت‌های سایر افراد استفاده می‌شود. تقریباً همه پیروان فالون گونگ که بازداشت یا حبس شده‌اند، تحت شکنجه قرار گرفته‌اند.

## ۱- چارچوب قانونی

<sup>۱</sup>. کنوانسیون شکنجه، بند ۱ از ماده ۱، مقایسه کنید با: قانون حمایت از قربانیان شکنجه، مجموعه قوانین ایالات متحده، سرفصل ۲۸، یادداشت بخش ۱۳۵۰ (جلد تکمیلی ۱۹۹۳)

استفاده گسترده از شکنجه علیه پیروان فالون گونگ، نقض مستقیم ماده‌های قانونی متعدد در قوانین بین‌المللی و قوانین چین است. برخی از این قوانین عبارتند از: ماده ۴۳ از قانون آئین دادرسی کیفری جمهوری خلق چین که جمع‌آوری شواهد یا گرفتن اعتراف از طریق شکنجه و تهدید، تطمیع یا فریب را ممنوع می‌کند و ماده ۲۴۷ از قانون کیفری و کنوانسیون ضد شکنجه که در سال ۱۹۸۸ توسط جمهوری خلق چین تصویب شد.<sup>۲</sup> اگرچه استفاده از شکنجه علیه تمرین‌کنندگان فالون گونگ تخلف از قوانین چین است، اما آن مطابق با روش نیروهای امنیتی حزب کمونیست چین (ح.ک.چ) برای کنترل گروه‌هایی است که به‌عنوان دشمنان ایدئولوژیکی حزب تلقی می‌شوند. این وضعیت از طریق تبلیغاتی که جیانگ زمین به‌راه انداخت و خواستار سرکوب خشونت‌آمیز «دوژنگ» علیه فالون گونگ بود، نشان داده شده است، و همچنین از طریق استفاده از شکل‌های مختلف توجیه ایدئولوژیکی و استفاده از الفاظی برای اینکه به‌طور ضمنی یا با صراحت، استفاده از شکنجه علیه همه پیروان را ترغیب کند. متعاقب دستورات، برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری و دستورالعمل‌های جیانگ زمین، همه سطوح سلسله‌مراتب ح.ک.چ در چنین فراهخوانی برای اعمال شکنجه درگیر شده‌اند.<sup>۳</sup> از آنجایی که حزب کمونیست و رای همه محدودیت‌های قانونی در چین است، مقررات ضدشکنجه رفتار نیروهای امنیتی این کشور را نسبت به فالون گونگ (یا نسبت به سایر زندانیان عقیدتی در چین) به‌طور مؤثری محدود نمی‌کنند.

## ۲- شرایط در چین

### ۲-۱ شکنجه گسترده فالون گونگ در چین

از سال ۱۹۹۹، بیش از ۷۰ هزار گزارش مجزا در خصوص شکنجه و آزار و اذیت پیروان فالون گونگ در زندان، از طریق منابعی در داخل چین بازپخش شده‌اند. از سال ۲۰۰۹، بنیاد قانونی حقوق بشر، پرونده صدها تمرین‌کننده فالون گونگ که قبلاً بازداشت شده بودند را بررسی کرده است. تقریباً همه پاسخ‌دهندگان گزارش کردند که طی مدت حبسشان، تحت شکنجه قرار گرفتند. این یافته‌ها با گزارش‌های وکلای چینی که با بنیاد قانونی حقوق بشر همکاری می‌کنند، مطابقت دارند؛ این وکلا گزارش دادند که در ده‌ها پرونده فالون گونگی که در دست داشته‌اند، تمام موکلینشان تحت شکنجه قرار گرفته‌اند. گزارش‌دهی مستقیم منابع در چین به وبسایت مینگهویی، به ۱۶۸۰ تن از پیروان فالون گونگ اشاره کرده که در سال ۲۰۱۰ تحت شکنجه قرار گرفتند و حاکی از این است که حداقل ۷ تا ۸ هزار تمرین‌کننده فالون گونگ بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ شکنجه شده‌اند. با توجه به اینکه گزارش‌دهی چنین حوادثی در محیط پر از سانسور چین دشوار است، بدون شک تعداد واقعی شکنجه‌شدگان از این رقم بیشتر است و دست‌کم به چند میلیون نفر می‌رسد.

این یافته‌ها منطبق با گزارش‌های سایر ناظران حقوق بشر و گزارش‌های گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در ارتباط با شکنجه است که در سال ۲۰۰۵ گزارش داد ۶۶ درصد از شکایت‌های شکنجه‌شدگان که به درخواست وی تسلیم شده‌اند، مربوط به قربانیان فالون گونگ بوده است.<sup>۴</sup> در ماه مارس سال ۲۰۰۶، گزارشگر ویژه سازمان ملل، دکتر مانفرد نواک، مجدداً یافته‌هایی را تأیید کرد

<sup>۲</sup> همچنین ماده ۲۴۸، ۲۳۴ و ۳۰۸ از قانون جنایی را مشاهده کنید.

<sup>۳</sup> مقاله «جیانگ زمین و سلسله عملیات دوژنگ حزب علیه فالون گونگ» را ملاحظه کنید، لینک نسخه انگلیسی مقاله:

<http://en.minghui.org/html/articles/2015/5/6/150033.html>

<sup>۴</sup> مانفرد نواک: «گزارش گزارشگر ویژه [سازمان ملل متحد] درباره شکنجه و سایر رفتارهای مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، در مأموریت به چین» ۱۰ مارس ۲۰۰۶، شماره سند

مبنی بر اینکه شکنجه کماکان به طور گسترده اعمال می‌شود.<sup>۵</sup> گزارشگر ویژه سازمان ملل، سِر نیگل رودلی، گزارش داده است که «تمرین‌کنندگان به دلیل تمرین کردن فالون گونگ مورد تحقیر و اهانت علنی قرار می‌گیرند... گفته می‌شود که افراد بسیاری متحمل شکنجه یا بدرفتاری شده‌اند.»<sup>۶</sup>

وزارت امور خارجه امریکا نیز به طور مشابه، استفاده گسترده از شکنجه را برای وادار کردن پیروان فالون گونگ به نفی باورهای معنوی‌شان گزارش کرده است. براساس گزارش سال ۲۰۰۶ وزارت امور خارجه امریکا، درخصوص وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف<sup>۷</sup> «این حکومت به استفاده‌اش از [شکنجه] ادامه داد... تا تمرین‌کنندگان را به نفی فالون گونگ وادار کند.»

چند دادگاه ایالات متحده بیان کرده‌اند شکنجه اقدامی است که به طور گسترده در جریان است و علیه پیروان فالون گونگ استفاده می‌شود. به عنوان مثال، حوزه قضایی هفتم به وضوح بیان کرده است که اگر به چین تبعید شوید، تمرین کردن فالون گونگ مبنایی برای ترس از آزار و شکنجه آتی خواهد بود. دادگاه استیناف حوزه هفتم کشف کرد که «دولت [ایالات متحده] اذعان می‌دارد که چین پیروان فالون گونگ را مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهد... [و اینکه] تصمیم دولت چین برای نابود کردن آن از اصل و بنیاد، مرموزانه و درعین حال انکارناپذیر است.» مشاهده کنید: *ایانو وی. گونزالس، 7 C.A.، سال ۲۰۰۵ (شماره ۱۷۰۰-۰۴)*.

دادگاه‌های ایالات متحده حتی دریافته‌اند که مسئولین عالی‌رتبه چین مسئول سلسله‌عملیات آزار و شکنجه گسترده‌ای هستند که تمرین‌کنندگان فالون گونگ را از حقتشان برای اینکه در چین تحت شکنجه قرار نگیرند، محروم کرده است. در پرونده *دوئه علیه لیو چی، 349 F.Supp.2d 1258, 1334 (N.D. Cal. 2004)*، دادگاه به این نتیجه رسید که «به نظر می‌رسد جمهوری خلق چین موارد ادعا شده مبنی بر نقض حقوق بشر را که توسط متهمان ایجاد شده یا با مجوز آنان صورت گرفته است، به طور مخفیانه مجاز دانسته اما به طور علنی تکذیب و رد کرده است... متهمان لیو و شیا به ترتیب مسئول نقض حقوق [شاکیان] برای رهایی از شکنجه... رفتار بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز ... [و] بازداشت خودسرانه هستند.» به طور مشابه، در پرونده *وی یی و سایرین علیه جیانگ زمین و افراد دیگر، 383 F.3d 620 (7th Cir. 2004)*، دادگاه استیناف حوزه قضایی هفتم، دعاوی گسترده شاکیان مبنی بر شکنجه و بدرفتاری توسط جیانگ زمین را با صراحت تصدیق کرد. اگرچه این دادگاه در نهایت بر مبنای مصونیت رئیس دولت، از رسیدگی به این پرونده دست کشید، اما به یافته‌ها و حقایقی در تأیید دعاوی شاکیان دست پیدا کرد: «در تاریخ ۱۰ ژوئن سال ۱۹۹۹، رئیس‌جمهور جیانگ به‌عنوان بخشی از دستگاه و سیستم حزب، اداره کنترل و نظارت بر فالون گونگ را تأسیس کرد. این اداره به دلیل تاریخ تأسیسش با نام "اداره ۶۱۰" شناخته می‌شود. در ژوئیه سال ۱۹۹۹، رئیس‌جمهور جیانگ حکم غیرقانونی بودن فالون گونگ را صادر کرد. این حکم بازداشت‌های دسته‌جمعی... شکنجه، "بازآموزی" و کشتن اعضای آن را در پی داشت.» همان منبع، ۶۲۲.

<sup>۵</sup> گزارش «مأموریت به چین»، ۱۰ مارس ۲۰۰۶، را در لینک زیر مشاهده کنید: [http://ap.ohchr.org/documents/dpage\\_e.aspx?m=103](http://ap.ohchr.org/documents/dpage_e.aspx?m=103). همچنین ببینید: گزارش سال ۲۰۰۱ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، گزارش کمیسیون حقوق بشر، «ادغام حقوق بشر زنان و دیدگاه جنسیتی: خشونت علیه زنان»، پنجاه و هفتمین جلسه E/CN.4/2001/73/Add.1 (۱۳ فوریه ۲۰۰۱) (گزارش داد که تمرین‌کنندگان فالون گونگ تحت آزار و اذیت بدنی، اعمال شوک با باتوم الکتریکی در نواحی سینه و اندام تناسلی تمرین‌کنندگان زن، حبس در سلول انفرادی و انجام کار فشرده و طاقت‌فرسا قرار گرفته‌اند)، گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۱ درباره مسائل مربوط به خشونت علیه زنان، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، جلسه پنجاه و هفتم، شماره سند E/CN.4/2001/73/Add.1 (۱۶-۱۵) (براز نگرانی جدی درخصوص گزارش‌های دریافت شده مبنی بر اعمال خشونت علیه زنان در چین و به‌ویژه تمرین‌کنندگان فالون گونگ با جنسیت زن (اکثریت قریب به اتفاق تمرین‌کنندگان فالون گونگ را زنان تشکیل می‌دهند).

<sup>۶</sup> گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، سِر نایجل رودلی، E/CN.4/2001/66، ژانویه سال ۲۰۰۱، ¶¶ ۲۳۷ و ۲۳۸، ۲۴۶.  
<sup>۷</sup> موجود در <http://www.state.gov/g/drl/rls/hrrpt/2006/78771.htm>

کیفرخواست‌های صادر شده به‌وسیله دادگاه‌ها در برخی کشورها از جمله اسپانیا و آرژانتین دال بر این است که آنها به نتایج مشابهی دست یافته‌اند:<sup>۸</sup> «براساس جمع‌آوری شواهد مختلف و مدارک مستقیم، پرونده‌های بی‌شماری از کشتار تمرین‌کنندگان بی‌گناه فالون گونگ بر اثر شکنجه وجود دارد.»

## ۲-۲ شدت شکنجه

روش‌های شکنجه رایج، بسیار شدید هستند و شامل ضرب‌وشتم، اعمال شوک با باتوم‌های الکتریکی، آویزان کردن فرد به‌طور وارونه در شرایط فشار و استرس، شکستن دست و پا، خوراندن اجباری خشونت‌آمیز، محرومیت طولانی مدت از خواب، تزریق داروهای روانگردان، انجام آزمایشات پزشکی، برداشتن اعضای بدن، عقیم‌سازی اجباری، تجاوز و حمله جنسی و تحقیر هستند. اشخاصی که قبلاً در اردوگاه‌های کار اجباری محبوس شده بودند و تمرین‌کننده فالون گونگ نبودند، تأیید کرده‌اند که پیروان فالون گونگ هدف شکنجه و سوءرفتار در اردوگاه‌ها هستند.<sup>۹</sup>

شدت شکنجه‌ای که تمرین‌کنندگان فالون گونگ و حامیان آنها در هر دو سطح کشوری و محلی در سراسر چین متحمل شده‌اند، در گزارش‌های ایالات متحده آمریکا درباره وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف و گزارش‌های سالانه این کشور درباره آزادی بین‌المللی مذهبی و همچنین در گزارش‌های صادر شده توسط گروه‌های مستقل حقوق بشر از قبیل سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر، به‌طور گسترده‌ای تأیید و مستند شده است.

به‌عنوان مثال، گزارش سالانه آزادی بین‌المللی مذهب در سال ۲۰۰۱ که در دسامبر ۲۰۰۱ توسط وزارت امور خارجه آمریکا منتشر شد، شامل ارجاعات ویژه متعددی به موارد نقض عمده حقوق بشر و اعمال خشونت بر تمرین‌کنندگان فالون گونگ است در تلاش برای اینکه فالون گونگ در چین از بین برده شده و به‌طور کامل ریشه‌کن شود. این گزارش، «سرکوب» فالون گونگ را مرتبط می‌داند با تلاش مقامات برای «کنترل و اداره گروه‌های مذهبی تا مانع از این شود که گروه‌ها یا منابع قدرت خارج از کنترل دولت و حزب کمونیست چین افزایش یابند». (صفحه ۱۲۲) در سال ۲۰۰۱ این گزارش اشاره کرد که «از سال ۱۹۹۹ حدود ۱۰۰ نفر یا تعداد بیشتری از پیروان فالون گونگ در زمان حبس درگذشته‌اند.» (صفحه ۱۲۲)؛ که «بنا به گزارش‌ها، جسد تعداد بسیاری از آنها نشانه‌هایی از ضرب‌وشتم شدید و/یا شکنجه داشتند» که «پلیس اغلب هنگام بازداشت معترضان آرام و صلح‌طلب فالون گونگ، از جمله برخی که مسن بودند یا آنهایی که بچه‌های کوچک همراه خود داشتند، از فشار و قدرت شدیدی استفاده می‌کرد» و اینکه «شکنجه (از جمله اعمال شوک الکتریکی با دست و پای در غل و زنجیر که با زنجیرهای فولادی به‌طور ضربدری به‌هم بسته شده‌اند)» به‌طور گسترده‌ای گزارش شده است. (صفحه ۱۳۱)

در گزارش‌های بعدی تأیید شده است که اعمال شکنجه‌های شدید بر آنهایی که از نفی باورشان به فالون گونگ اجتناب می‌کنند، ادامه دارد.<sup>۱۰</sup> گزارش سال ۲۰۰۶ وزارت امور خارجه آمریکا درباره آزادی بین‌المللی مذهب، اشاره می‌کند که «تمرین‌کنندگان فالون گونگ همچنان با بازداشت، حبس و زندان مواجه هستند و گزارش‌های معتبری مبنی بر مرگ آنها در اثر شکنجه و سوءرفتار

<sup>۸</sup> این اسناد رسمی در صورت درخواست موجود هستند.

<sup>۹</sup> دیده‌بان حقوق بشر: «ما می‌توانیم در هر زمان ناپدید شویم: قصاص و سوءرفتار علیه دادخواهان چینی»، ۷ دسامبر ۲۰۰۵؛ مدافعان حقوق بشر چین، «بازآموزی از طریق آزار با کار طاقت‌فرسا همچنان کم نشده است» ۴ فوریه ۲۰۰۹

<sup>۱۰</sup> به‌عنوان نمونه مشاهده کنید: گزارش کشوری حقوق بشر وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۲۰۰۶ (موجود در <http://www.state.gov/g/drl/rls/hrrpt/2006/78771.htm>)

وجود دارد. تمرین کنندگانی که از انکار باورشان امتناع می‌ورزند... در زندان‌ها تحت رفتار خشن، بازآموزی در اردوگاه‌های کار اجباری و مراکز «آموزش حقوقی» غیرقانونی قرار می‌گیرند، درحالی‌که برخی از آنهایی که باورشان را انکار کردند، از حبس بازگشتند.»

گائو ژیشنگ، وکیلی که شهرت بین‌المللی دارد و درحال حاضر خودش در حبس به‌سر می‌برد، از منزل ده‌ها تمرین‌کننده فالون گونگ در چین دیدار کرد. همه این تمرین‌کنندگان به وی گفتند که آنها طی بازآموزی در مکان‌های ویژه کار سخت، مراکز شستشوی مغزی و اردوگاه‌های کار تحت شکنجه‌های شدیدی قرار گرفتند، صرفاً به این دلیل که از نفی باورشان به تمرین فالون گونگ امتناع کردند. گائو ژیشنگ گزارش کرد: «اعمال غیراخلاقی که روح مرا شوکه کرد؛ که بیشترین آن... تعرض شهوت‌آمیز و رایج کارکنان اداره ۶۱۰ و مأموران پلیس به اندام تناسلی زنان است. در طول آزار و شکنجه، تقریباً اندام تناسلی و سینه‌های همه زنان یا اندام تناسلی همه مردان به یکی از زنده‌ترین شیوه‌ها مورد تعرض جنسی قرار گرفته‌اند. تقریباً همه آنهایی که تحت آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند، چه مرد چه زن، ابتدا قبل از هر گونه شکنجه کاملاً برهنه می‌شدند. گفته می‌شود که فالون گونگی‌ها... و بسیاری از افراد دیگر متحمل شکنجه یا بدرفتاری شده‌اند.»<sup>۱۱</sup>

### ۲-۳ انواع دیگر شکنجه

#### برداشت اعضای بدن

برداشت اعضای بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ در چین، به‌طور گسترده و نظام‌مند ادامه دارد. انتشار گزارش‌های مربوط به آزار و اذیت، از جمله گزارش‌های دست اول، به تدریج شروع شده‌اند.<sup>۱۲</sup> برداشت اعضای بدن در درجه اول برای تأمین نیاز صنعت پیوند عضو چین استفاده می‌شود. گزارش‌های مستند درخصوص این عمل، توسط دیوید ماتاس و دیوید کیلگور، اتان گاتمن و مت رابینسون منتشر شده‌اند.<sup>۱۳</sup> دامون نوتو، سرپرست پزشکان مخالف برداشت اعضای بدن نیز به‌طور قابل توجهی در این زمینه کمک کرده است.<sup>۱۴</sup>

شیوه‌های برداشت اعضای بدن بخشی از الگوی جامع‌تر آزار و اذیتی هستند که بر پیروان فالون گونگ تحمیل می‌شوند. شیوه‌های برداشت اعضای بدن را نمی‌توان از سایر اعمال شکنجه و آزار و اذیت جدا دانست. آنها «راه حل نهایی» در سلسله‌عملیات دوژنگ جیانگ زمین به‌منظور شکنجه و آزار و اذیت علیه فالون گونگ هستند.

#### چارچوب قانونی

<sup>۱۱</sup> به‌عنوان نمونه مشاهده کنید: گائو ژیشنگ، چرا یکی از وکلای برجسته چین با حزب کمونیست قطع رابطه می‌کند، اپک تایمز (۱۶ دسامبر ۲۰۰۵)، موجود در <http://www.theepochtimes.com/news/5-12-16/35876>

<sup>۱۲</sup> تعدادی از پیروان فالون گونگ با قید سوگند اظهار کردند که وقتی روی تخت جراحی بودند، عمل برداشت اعضای بدنشان متوقف شد. دلیل آن را برخی شرایط پزشکی غیرمعمول توصیف کردند که انجام برداشت را ناموفق می‌ساخت. این گزارش‌ها در صورت درخواست موجود هستند.

<sup>۱۳</sup> به‌عنوان نمونه مشاهده کنید: «محصول خونین: برداشت اعضای بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ در چین» نوشته دیوید کیلگور و دیوید ماتاس؛ *کشتار فجیع: کشتار جمعی، برداشت اعضای بدن و راه حل محرمانه چین برای مشکل دگراندیشان خود*. توسط اتان گاتمن، همچنین مقاله مت را در اپک تایمز مشاهده کنید.

<sup>۱۴</sup> گزارش‌های دامون نوتو در صورت درخواست موجود هستند.

برداشت اعضای بدن با تعریفی که از شکنجه در کنوانسیون شکنجه ارائه شده است، مطابقت دارد. برداشت اعضای بدن نه تنها نقض مستقیم کنوانسیون شکنجه‌ای است که چین در سال ۱۹۸۸ به تصویب رساند، بلکه نقض قوانین چین نیز هست. ماده (آ) ۲۳۴ از قانون کیفری چین، فروش اعضای بدن و نیز برداشت آنها را بدون رضایت شخص، جرم تلقی می‌کند.

### شرایط در عمل

از سال ۲۰۰۶، همواره به‌طور مداوم گزارش‌هایی از زندانیان عقیدتی فالون گونگ وجود داشته است که به‌منظور تأمین نیاز صنعت پیوند عضو در چین کشته شدند. کمیته ضد شکنجه سازمان ملل متحد به دنبال بررسی‌اش درخصوص پیروی چین از کنوانسیون مخالف شکنجه (CAT) در سال ۲۰۰۸، درباره «اطلاعات دریافت شده مبنی بر شکنجه و بدرفتاری گسترده با تمرین‌کنندگان فالون گونگ در زندان‌ها و استفاده از برخی از آنها برای عمل پیوند عضو» ابراز نگرانی کرد.<sup>۱۵</sup> این کمیته توصیه کرد که تحقیقات فوری و مستقل و اقداماتی مناسب در رابطه با این ادعاها انجام شود تا اطمینان حاصل شود آنهایی که مسئول این اعمال هستند، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

به‌دلیل دست داشتن سطح بالای مسئولین چین در این سوءرفتارها، آنها نتوانسته‌اند اطلاعاتی کافی در خصوص این نگرانی‌ها، نظیر گزارشی شفاف از منبع اعضای بدن را ارائه دهند. مجموعه‌ای از مکالمات تلفنی که با چند تن از مسئولین سطح بالا انجام شده، استفاده گسترده از این عمل را علیه فالون گونگ تأیید کرده است. برای نمونه می‌توانید به لینک

[http://www.theepochtimes.com/n2/china-news/phone-logs-reveal-top-chinese-officials-](http://www.theepochtimes.com/n2/china-news/phone-logs-reveal-top-chinese-officials-knowledge-of-organ-harvesting-230616-all.html)

[knowledge-of-organ-harvesting-230616-all.html](http://www.theepochtimes.com/n2/china-news/phone-logs-reveal-top-chinese-officials-knowledge-of-organ-harvesting-230616-all.html) مراجعه کنید. اخیراً، در سپتامبر سال ۲۰۱۴، یک مقام عالی‌رتبه

چینی نه تنها عمل مذکور را تأیید کرد، بلکه مستقیماً دخالت جیانگ در این جنایت را نیز تأیید کرد. براساس یک تماس تلفنی که به‌طور مخفیانه ضبط شده بود، وقتی پرسیده شد که دستورات مربوط به برداشت اعضای بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ از کجا صادر می‌شوند، بای شوژونگ، وزیر سابق بهداشت بخش لجستیک عمومی ارتش آزادی‌بخش خلق، پاسخ داد: «در آن زمان دستور از سوی رئیس جیانگ صادر می‌شد، دستوری وجود داشت، دستوری برای شروع این کار، پیوند عضو.» به لینک زیر مراجعه

کنید: <http://www.theepochtimes.com/n3/1182255-chinese-officer-jiang-zemin-ordered-organ-harvesting/>

### ۳- تجاوز و آزارهای جنسی

برای گرفتن اعتراف اجباری از زنانی که فالون گونگ را در چین تمرین می‌کنند، تجاوز گروهی، تجاوز و سایر شکل‌های آزار و اذیت جنسی استفاده می‌شوند. بنا به گفته گائو ژینگ و چند کارشناس دیگر، تعرض به اندام تناسلی زنان امری معمول است. تقریباً تمام زنانی که مورد شکنجه واقع شده‌اند، ابتدا برهنه شده‌اند. مورد فوق را در زیرنویس‌های ۵ و ۱۱ مشاهده کنید. زنان سالمند نیز همانند زنان جوان مجرد، مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. حتی یک دختر نه ساله را برای وادار کردن به اعترافی دروغین، مورد تجاوز قرار دادند. لینک زیر را مشاهده کنید: <http://en.minghui.org/html/articles/2013/3/12/138485.html>

<sup>۱۵</sup>. کمیته مخالف شکنجه سازمان ملل متحد، «آخرین مشاهدات: چین»، ۲۱ نوامبر ۲۰۰۸، CAT/C/CHN/CO/4.

این موارد مربوط به شکنجه بر اساس اسناد و مدارک ناقص به دست آمده از چین هستند. تعداد پیروان فالون گونگی که متحمل جرایم مربوط به شکنجه شده‌اند، به مراتب بسیار بیشتر از موارد ذکر شده است.

### ۳- جیانگ زمین مطابق قوانین بین‌المللی و قوانین چین و براساس منطق مسئولیت‌پذیری، مسئول شکنجه فالون گونگ است.

همانطور که در مقاله «جیانگ زمین و سلسله‌عملیات دوژنگ حزب علیه فالون گونگ» اشاره شد، هنگامی که گروه یا فردی به‌عنوان هدف «دوژنگ» تعیین می‌شود، مفهوم آن واضح و روشن است: لازم است که از محدوده قانون فراتر بروند و آن شخص یا گروه را مورد آزار و اذیت قرار دهند. هدف این است که آن شخص یا گروه را وادار کنند تا هویت و باورهای گروهی را نفی کند و با حزب «متحد شود» و با همان روش‌ها، به سایر اعضای گروه مورد نظر، حمله کند. برای رسیدن به این هدف، جیانگ زمین دستور داد تا پیروان فالون گونگ تحت «ژوان‌هو» یا «تبدیل اجباری»، به عبارت دیگر شکنجه، قرار بگیرند. افرادی که از «تبدیل اجباری» امتناع می‌ورزیدند، بیشتر شکنجه می‌شدند و در بسیاری از موارد مرگ در انتظارشان بود.

جیانگ زمین در همان اوایل ژوئیه ۱۹۹۹، از طریق یک سری اسناد رسمی که آغاز آزار و شکنجه را نشان می‌داد، دستور بکارگیری شیوه‌های تبدیل ایدئولوژیکی را صادر کرد. اطلاعیه ژوئیه ۱۹۹۹ یکی از این اسناد بود که در آن جیانگ از طریق کمیته مرکزی ح.ک.چ دستور ژوان‌هو/ اعضای از ح.ک.چ را صادر کرد که فالون گونگ را تمرین می‌کردند.<sup>۱۶</sup> در اطلاعیه ۶ اوت ۱۹۹۹، جیانگ از طریق اداره کل کمیته مرکزی ح.ک.چ، اطلاعیه دومی را صادر کرد. این اطلاعیه با ارائه قوانین و دستورالعمل‌های خاص، تبدیل اجباری و مؤثر اعضای از حزب را که فالون گونگ را تمرین می‌کردند، امکان‌پذیر می‌ساخت.<sup>۱۷</sup> در ۲۴ اوت ۱۹۹۹، جیانگ دستوراتش را گسترش داد به طوری که تمام پیروان فالون گونگ را بدون در نظر گرفتن مرتبه حزبی‌شان شامل می‌شد و برای همان اولین بار بر نقش محوری ژوان‌هو/ مؤثر در سلسله‌عملیات دوژنگ علیه فالون گونگ تأکید داشت. در این لینک «تخریب ذهن و بدن از طریق شستشوی مغزی» را مشاهده کنید: <http://www.upholdjustice.org/node/60>

به این ترتیب و همانطور که در ذیل به تفصیل آمده است، طبق چند نظریه مسئولیت‌پذیری که مطابق با قوانین بین‌المللی یا قوانین چین به رسمیت شناخته شده است، از جمله: [۱] صدور دستور، [۲] برنامه‌ریزی، [۳] القاء یا واداشتن، [۴] کمک و همدستی و تشویق، [۵] اقدامات مجرمانه مشترک و [۶] مسئولیت فرماندهی، جیانگ زمین از لحاظ جنایی مسئول شکنجه گسترده پیروان فالون گونگ است.

### ۱- صدور دستور

<sup>۱۶</sup> اطلاعیه مربوطه، یعنی «اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین که اعضای حزب کمونیست چین را از تزکیه در فالون دافا منع می‌کند» در صورت درخواست موجود است.  
<sup>۱۷</sup> اطلاعیه مربوطه، یعنی «کمیسیون مرکزی نظارت بر نظم حزب کمونیست چین و نظرات بخش سازمانی درباره نحوه رسیدگی به موضوع تزکیه اعضای حزب در فالون دافا» نیز در صورت درخواست موجود است.

صدور دستور مطابق حقوق بین‌الملل عرفی (CIL) به‌خوبی مقرر شده است.<sup>۱۸</sup> مشاهده کنید: کرسیتیچ، قضاوت دادگاه ¶ ۶۰۱؛ آکاپسو، قضاوت دادگاه ¶ ۴۸۳؛ بلاسکیچ، قضاوت دادگاه ¶ ۲۸۱؛ کوردیچ و سرکز، قضاوت دادگاه ¶ ۳۸۸. فرد زمانی برای صدور یک دستور مسئول محسوب می‌شود که در مسند قدرت از جایگاهش استفاده کند تا شخص دیگری را متقاعد به ارتکاب جرم کند. کرسیتیچ، قضاوت دادگاه ¶ ۶۰۱. مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، آن ایجاد سه عنصر را ضروری می‌داند:

## الف- ارتباط فرمانده و فرمانبر

ارتباط رسمی بین فرمانده و فرمانبر لازم نیست، اما باید مقرر شده باشد که متهم قدرت و اختیار دستور دادن داشته است. کوردیچ، قضاوت دادگاه ¶ ۳۸۸. افراد مافوق رسمی و غیررسمی در سلسله مراتب نظامی و غیرنظامی ممکن است مسئول به‌شمار آیند. آنتونیو کاسزی، قانون کیفری بین‌المللی ۲۳۰ (سال ۲۰۰۸) را مشاهده کنید.

جیانگ زمین به‌عنوان دبیر کل حزب کمونیست چین، مقام برجسته و پیشرو در بین هفت نفر عضو کمیته دائمی پولیتبورو بود که بر پولیتبورو ح.ک.چ نظارت دارد، که بر کمیته مرکزی ح.ک.چ نظارت دارد، که بر هر یک از کمیته‌های فرعی منطقه‌ای ح.ک.چ نظارت دارد. مطابق سیستم اقتدارگرا و تک‌حزبی حکومت در چین، این کمیته‌های ح.ک.چ همگی سطوح بالایی از کنترل و نظارت را بر سازمان‌های حاکم موازی دولتی موازی در سطوح مختلف، به‌ویژه در سلسله‌مراتب امنیتی اعمال کرده‌اند. او رئیس‌جمهور چین نیز بود، در نتیجه بر ارگان‌های دولتی چین کنترل داشت و همینطور رئیس کمیسیون مرکزی ارتش بود، در نتیجه بر ارتش نیز نظارت داشت. به این ترتیب، جیانگ صاحب این قدرت و اختیار بود تا دستور شکنجه و آزار و اذیت فالون گونگ را صادر کند.

## ب- منتقل کردن یک دستور

در حقوق بین‌الملل عرفی، فرمان دادن به‌طور گسترده‌ای این‌چنین تعریف شده است: درگیر بودن شخصی در دستور دادن، فرماندهی کردن یا فرمان دادن است و بنابراین متقاعد کردن، ترغیب کردن، مجبور کردن یا برانگیختن، فرد یا افرادی به این است که جرمی را مرتکب شوند.<sup>۱۹</sup> مهم نیست به سند یا بیانیه‌ای یک «دستور» گفته شود یا خیر.<sup>۲۰</sup> همچنین الزامی نیست که یک دستور به‌صورت کتبی یا به هر شکل دیگری صادر شود.<sup>۲۱</sup> یک «دستور» ممکن است دستورالعمل‌هایی در مفهومی محدود همچنین دستورالعمل‌های کلی را پوشش دهد.<sup>۲۲</sup> یک دستور ممکن است صریح و روشن یا ضمنی باشد. به این ترتیب، به‌شرطی

<sup>۱۸</sup> حقوق بین‌الملل عرفی همه کشورها را ملزم می‌کند. براساس حقوق بین‌الملل عرفی، پایین‌ترین معیار برای حقوق مشمول حمایت عبارتند از (الف) نسل‌کشی؛ (ب) برده‌داری یا تجارت برده؛ (ج) قتل یا مسبب ناپدید شدن افراد بودن؛ (د) شکنجه، مجازات یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز؛ (ه) حبس‌های طولانی خودسرانه؛ (و) تبعیض نژادی سیستماتیک؛ و (ز) الگویی پایدار از موارد نقض فاحش حقوق بشر که به‌طور بین‌المللی به‌رسمیت شناخته شده است. در تجزیه و تحلیل آینده به این می‌پردازیم که تا چه حد دادگاه‌های چین حق قضاوت در برخی از این جنایات یا همه آنها را داشتند.

<sup>۱۹</sup> در رابطه با «صدور دستور»، نتاگرور، دادگاه استیناف ¶ ۳۶۵ را مشاهده کنید؛ برای «فرمان دادن»، بلاگوچویچ، دادگاه استیناف در ۲۱ را مشاهده کنید؛ برای «رهنمود کردن» گالیچ، دادگاه قضاوت ¶ ۱۶۸؛ بردانین، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۷۰؛ کوردیچ، دادگاه استیناف ¶ ۲۸ را ببینید؛ برای «متقاعد کردن»، آکاپسو، دادگاه قضاوت، ¶ ۴۸۳؛ کرسیتیچ، دادگاه قضاوت ¶ ۴۸۳ را ببینید؛ برای «ترغیب» روتوگاندا، دادگاه قضاوت ¶ ۳۹؛ موسیما، دادگاه قضاوت، ¶ ۱۲۱ را ببینید؛ برای «وادار کردن»، باگیلیشما، دادگاه قضاوت ¶ ۳۰؛ سمانزا، دادگاه قضاوت ¶ ۳۸۲؛ موهمیانا، دادگاه قضاوت ¶ ۵۰۵ را ببینید؛ برای «واداشتن یا سوق دادن»، کاجلی‌جلی، دادگاه قضاوت ¶ ۷۶۳؛ کاموهاندا، دادگاه قضاوت ¶ ۵۹۴ را ببینید.

<sup>۲۰</sup> به‌عنوان مثال، دادگاه نظامی آمریکا در مورد فرماندهی/رشد معتقد بود که مهم نیست دستورالعمل‌هایی به‌عنوان «بخشنامه» تعیین شده باشند. هنگامی که این موارد توسط کسانی که در موضع قدرت هستند، مثلاً فرماندهی عالی نیروهای مسلح صادر شده باشند، آنها به‌منزله دستوراتی هستند که صادر شده‌اند. مشاهده کنید فرماندهی/رشد در ۶۵۱.

<sup>۲۱</sup> مشاهده کنید بلاسکیچ، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۸۱؛ کوردیچ، دادگاه قضاوت، ¶ ۳۸۸؛ نالتیچ، دادگاه قضاوت، ¶ ۶۱؛ گالیچ، دادگاه قضاوت، ¶ ۱۶۸؛ بردانین، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۷۰؛ استروگار، دادگاه قضاوت ¶ ۳۳۱؛ مرکسیچ، دادگاه قضاوت، ¶ ۵۵۰. توجه داشته باشید که در مورد دستور، دستور در قالب یک تلگراف دریافت شد.

<sup>۲۲</sup> مورد جنگ جهانی دوم آقای باک را مشاهده کنید.



که متن بیانیه به وضوح گویای این باشد که دستوری را مقرر می‌کند، این دستور می‌تواند در قالب عباراتی که به طور واضح الزام آور و اجباری نیستند، بیان شود.<sup>۲۳</sup> اینکه دستوری داده شده است از طریق شواهد فرعی قابل اثبات است.<sup>۲۴</sup>

لازم نیست دستور مستقیماً به فردی که آن را به مرحله اجرا می‌گذارد، داده شود. همان منبع<sup>۲۵</sup> ۲۸۲. علاوه بر این، اگر دستور ارتکاب جرم که توسط یک مقام ارشد صادر می‌شود، توسط مقامی زیردست به رده‌های پایین زنجیره دستوردهی منتقل شود، افراد رده‌های میانی که دستور را منتقل می‌کنند نیز ممکن است مسئول انتقال دستور غیرقانونی به زیردستان محسوب شوند. کوپرسکیچ، قضاوت دادگاه<sup>۲۶</sup> ۸۲۷ و ۸۶۲ را مشاهده کنید.

در صورتی که مقام ارشد صادرکننده دستوری، قصد اجرای آن دستور را داشته باشد و از غیرقانونی بودن آن مطلع باشد، یا در صورتی که دستور به وضوح غیرقانونی باشد، آن دستور در حقیقت نباید برای آن مقام ارشد اجرا شود.<sup>۲۵</sup>

با استناد به این موضوع، در خصوص جیانگ زمین، روشن است که جیانگ، به‌عنوان قدرت پیشرو در درون حزب، دستورات غیرقانونی را برای تبدیل ایدئولوژیک پیروان فالون گونگ و همچنین سایر شیوه‌های شکنجه بر آنها صادر کرد. این دستورات از طریق سلسله‌مراتب فرماندهی از رده‌های بالاتر حزب در سطح مرکزی، به مقامات رده‌پایین‌تر حزب در سطوح استانی، شهری و سایر سطوح منطقه‌ای می‌رسد که آنها نیز به نوبه خود دستورات او را به بخش امنیت چین در مراکز شستشوی مغزی، بازآموزی از طریق کار اجباری و سایر بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها منتقل می‌کنند. بخش اصلی این زنجیره فرماندهی، گروه رهبری برای رسیدگی و اداره مسائل مربوط به فالون گونگ و اداره ۶۱۰ مرتبط با آن بود که جیانگ آن را در سطح ملی و تمام سطوح منطقه‌ای تأسیس کرد تا سرکوب غیرقانونی و خشونت‌آمیز (دوژنگ) و شکنجه (ژوآن‌هو)ی فالون گونگ را مدیریت کند و به اجرا درآورد. دستور ایجاد «گروه رهبری» و اداره ۶۱۰ از طریق همان سلسله مراتب فرماندهی منتقل شد.<sup>۲۶</sup>

علاوه بر این، جیانگ زمین دستور انتشار تبلیغات بین تمام طرفداران حزب در چین از جمله بین اعضای بانفوذ دولتی و جامعه مدنی را صادر کرد تا نسبت به فالون گونگ ترس و نفرت ایجاد کند و روشن سازد که آنها آخرین حلقه در زنجیره «دشمنان دولت» هستند که باید در معرض تعدی و بدرفتاری فاحش، از جمله شکنجه واقع شوند. به‌عنوان پیامد مستقیم این کار، رسانه‌های شاخص در چین به پخش این خبر پرداختند تا اطمینان حاصل کنند که فالون گونگ به عنوان یک دشمن شناخته شده حزب (و فرقه‌ای شیطانی) در معرض آزار و اذیت و شکنجه قرار خواهد گرفت.<sup>۲۷</sup>

<sup>۲۳</sup> از این رو به‌عنوان نمونه دادگاه نظامی ایالات متحده در خصوص گروگان‌گیری این دیدگاه را اتخاذ کرد که لازم نیست دستور به شیوه‌ای بیان شود که اطاعت لفظی الزامی باشد. مهم نبود که آیا دستور منتشر شده توسط متهم «اجباری یا اختیاری» بوده باشد. اینکه آن دستور جنایات را مجاز دانسته باشد، تعیین کننده است. پرونده گروگان‌گیری در ۱۲۳۰.

<sup>۲۴</sup> به‌عنوان نمونه مشاهده کنید: بلاسکیچ، دادگاه قضاوت،<sup>۲۸۱</sup>؛ کوردیچ، دادگاه قضاوت،<sup>۳۸۸</sup>؛ نالتیپچ، دادگاه قضاوت،<sup>۶۱</sup>؛ گالچ، دادگاه قضاوت،<sup>۱۷۱</sup>؛ استروگار، دادگاه قضاوت،<sup>۱۷۸</sup>؛ مارکسیچ، دادگاه قضاوت،<sup>۵۵۰</sup>؛ بوسکاسکی، دادگاه قضاوت،<sup>۴۰۰</sup>؛ میلسویچ، دادگاه استیناف،<sup>۲۶۵</sup>؛ باسکوسکی، دادگاه استیناف،<sup>۱۶۰</sup>؛ هاتجکیمیان، دادگاه قضاوت،<sup>۴۰۱</sup>؛ دوردویچ، دادگاه قضاوت،<sup>۱۸۷۱</sup>.

<sup>۲۵</sup> به‌عنوان نمونه مشاهده کنید: دادگاه فرماندهی ارشد آلمان، ۱۲ گزارش قانونی از محاکمات جنایی جنگ ۲۳-۱۱۸ (۱۹۴۹)؛ دادگاه گروگان‌ها (در ۲۳-۱۱۸)، کورت مایر (در ۹۸ و ۱۰۸)، فالکن هورست (در ۲۹-۳۰، ۲۳، ۱۸)، هانس ویکمان (در ۱۳۳).

<sup>۲۶</sup> مراجعه کنید به: «نقش جیانگ زمین در آزار و شکنجه فالون گونگ»، بخش ۳، موجود به زبان فارسی در:

<http://fa.minghui.org/index.php/html/articles/3786.html>

<sup>۲۷</sup> به‌طور کلی مشاهده کنید: «جیانگ زمین و سلسله عملیات دوژنگ حزب علیه فالون گونگ»، موجود به زبان فارسی در:

<http://fa.minghui.org/index.php/html/articles/3826.html>

جیانگ به رده‌های بالاتر، میانی و پایین‌تر حزب دستور داد که به مطالعه و بررسی دستورات او در سخنرانی‌هایش به خصوص سخنرانی‌اش در ژوئن ۱۹۹۹ بپردازند. اسناد فعلی موجود در وبسایت‌های حزب نشان‌دهنده گستردگی کنفرانس‌ها، سمینارها و گردهمایی‌هایی هستند که کمیته‌های حزب در سراسر چین به‌راه انداختند تا در آنها اعلامیه‌های کمیته مرکزی حزب را که حاوی سخنرانی‌های جیانگ بود، مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. جیانگ در این سخنرانی‌ها خواستار «دوژنگ» علیه فالون گونگ بود. این کمیته‌ها نیز حمایت خود را از این سرکوب خشونت‌آمیز نشان دادند و گام‌های مهمی در جهت پیشبرد سلسله‌مبارزات ضد فالون گونگ برداشتند.<sup>۲۸</sup>

این دستورات به [آموران] امنیت چین می‌رسید که به نوبه خود پیروان فالون گونگ را در مراکز شستشوی مغزی، بازداشتگاه‌ها و مراکز بازآموزی از طریق کار اجباری و زندان‌های سراسر چین تحت شکنجه قرار می‌دادند.<sup>۲۹</sup>

### ج- نیت مجرمانه

نیت مجرمانه شخصی که دستور را صادر می‌کند تعیین‌کننده است، نه کسی که آن را به اجرا می‌گذارد. کوردیچ و سرکز، قضاوت دادگاه ۳۸۸. نیت مجرمانه لازم و ضروری، همان قصد شخص است: که او «به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نظر دارد جرم مورد بحث به اجرا درآید.» بلاسکیچ، قضاوت دادگاه ۲۷۸؛ کوردیچ و سرکز، قضاوت دادگاه ۳۸۶؛ استاکیچ، قضاوت دادگاه ۴۴۵.

در برخی موارد، حتی یک دستور قانونی ممکن است ایجاد مسئولیت کند. در بلاسکیچ، متهم دستور شلیک توپخانه را به سمت برخی از روستاها صادر کرد که باعث قتل عام غیرنظامیان شد. درحالی‌که دادگاه در ابتدا تشخیص داد که متهم مطابق با معیاری مبنی بر عدم حس مسئولیت‌پذیری گناهکار است، اما دادگاه تجدیدنظر تشخیص داد که این معیار بیش‌ازحد ضعیف است. دلیلش این است که «هر فرمانده نظامی که دستوری را صادر می‌کند، از نظر جنایی مسئول خواهد بود، چون همیشه این احتمال وجود دارد که تخطی‌هایی صورت گیرد.» در عوض، دادگاه تجدیدنظر ضروری دانست که «آگاهی داشتن از احتمال زیاد وقوع خطر به علاوه یک عنصر ارادی، یعنی پذیرش این موضوع که ممکن است متعاقباً خطری پیش آید.» بلاسکیچ، حکم دادگاه تجدیدنظر ۴۲. دادگاه استیناف همچنان معتقد است که قصد مجرمانه: «آگاهی از احتمال زیاد وقوع یک جنایت در پی اجرای آن دستور است. ... صدور دستور با چنین آگاهی باید به عنوان پذیرش آن جرم در نظر گرفته شود.» همان منبع. از آنجایی که متهم دستوراتی را نیز صادر کرد که مانع ارتکاب جرم می‌شد و حتی دستور شناسایی سربازان مستعد ارتکاب جرم را صادر کرد، دادگاه استیناف تشخیص داد که او از «احتمال زیاد» ارتکاب جنایات آگاهی نداشت. همان منبع در ۴۸-۳۴۶، ۴۴۳، ۴۶۵، ۴۸۰.<sup>۳۰</sup>

روشن است که جیانگ زمین مستقیماً قصد تبدیل اجباری (ژوان‌هو)ی فالون گونگ را داشت. دستورات مستقیم او مبنی بر سرکوب خشونت‌آمیز یا «دوژنگ» فالون گونگ، خود این موضوع را روشن می‌سازد، زیرا آخرین مرحله در یک سلسله‌عملیات

<sup>۲۸</sup>. همان منبع

<sup>۲۹</sup>. به‌عنوان نمونه مشاهده کنید: «نقش جیانگ زمین در آزار و شکنجه فالون گونگ - خلاصه حقوقی از این پرونده» در بخش ۴ (تحلیل پرونده)

<sup>۳۰</sup>. جالب است توجه داشته باشید که وقتی دادگاه اعلام کرد متهم به‌واسطه مسئولیت در قبال صدور دستور برای به‌کار بردن «اصل کلماتی که معنای ضمنی ریشه‌کن کردن دارند» مانند «پاکسازی از دشمن»، مجرم است، دادگاه تجدیدنظر اعلام کرد که چنین مدارکی متقاعدکننده نیستند زیرا اظهارات شهودی وجود دارند که این‌ها را «عبارات عرفی» می‌دانند که در اصطلاحات نظامی به‌کار برده می‌شود. بلاسکیچ، دادگاه استیناف، ۵۵۸، ۵۴۹.

«دوژنگ»، تبدیل اجباری، به‌عنوان مثال شکنجه گروه مورد نظر است.<sup>۳۱</sup> قصد او از طریق استفاده مکرر وی از برچسب‌هایی مانند «دشمن دولت» و «فرقه شیطان» که فالون گونگ را هدفی مناسب برای این سرکوب خشونت‌آمیز و شکنجه می‌سازد نیز مشخص است.<sup>۳۲</sup> تلاش‌های جیانگ به این منظور است که اطمینان پیدا کند دستوراتش برای دوژنگ فالون گونگ و دروغ و تهمت‌های مرتبط با این گروه معنوی نه‌تنها در دسترس وفاداران حزب در چین، از جمله اداره امنیت چین قرار گیرد، بلکه این دستورات به سران کشورهای خارجی و وفاداران چینی ساکن خارج از کشور نیز برسد.<sup>۳۳</sup> که نشان دهنده این است که جیانگ قصد داشت این شکنجه تا چه حدی صورت گیرد. بر این اساس، او نیز به روشنی «از احتمال واقعی خطر» آگاه بود- در واقع یقین داشت که شکنجه رخ می‌دهد و این خطر را پذیرفت. بلاسکیچ را مشاهده کنید؛ دادگاه استیناف ¶ ۴۲ .

## ۲- مسئولیت برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی در حقوق بین‌الملل عرفی به‌خوبی مقرر شده است. مشاهده کنید: کرسیتیچ، دادگاه قضاوت ¶ ۶۰۱؛ آکایسو، دادگاه قضاوت ¶ ۴۸۰؛ بلاسکیچ، دادگاه قضاوت ¶ ۲۷۹؛ کوردیچ و سرکز، دادگاه قضاوت ¶ ۳۸۶. مسئولیت برنامه‌ریزی هنگامی ایجاد می‌شود که یک یا چند نفر، هم مرحله آماده‌سازی و هم مرحله اجرای ارتکاب جرم را طراحی می‌کنند. کرسیتیچ، دادگاه قضاوت ¶ ۶۰۱. مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، لازم است که: (۱-) یک طرح و برنامه برای ارتکاب جرم و (۲-) قصد مستقیم یا غیرمستقیم برای ارتکاب جرم وجود داشته باشد.

## الف. یک طرح و برنامه

مسئولیت برنامه‌ریزی هنگامی ایجاد می‌شود که «یک یا چند نفر، قصد طراحی مرحله آماده‌سازی و مرحله اجرای ارتکاب جرم را داشته باشند.» کرسیتیچ، دادگاه قضاوت ¶ ۶۰۱. شواهد فرعی ممکن است مدرک کافی از وجود یک طرح را ارائه کنند. بلاسکیچ، دادگاه قضاوت ¶ ۲۷۹. همچنین، برخلاف یک سازمان جنایی مشترک، برنامه‌ریزی ممکن است توسط یک نفر انجام شود و نیازی به توافق بین برنامه‌ریزان نیست.<sup>۳۴</sup>

نامه‌ها و سخنرانی‌های جیانگ زمین وجود طرح و برنامه‌ای را برای شکنجه فالون گونگ روشن می‌سازد. به‌ویژه از سخنرانی جیانگ در ۷ ژوئن ۱۹۹۹ چنین برمی‌آید که این موضوع حقیقت دارد. در آن سخنرانی او از گسترش فالون گونگ به‌عنوان «مهم‌ترین رویداد از زمان آشفتگی‌های سیاسی در سال ۱۹۸۹» نام برد و تأسیس «گروه رهبری به‌منظور رسیدگی به مسائل مربوط به فالون گونگ» و اداره ۶۱۰ را اعلام کرد. این سخنرانی حاوی ویژگی‌های معمول طرح و برنامه‌ای بود که سرکوب اجباری و ازبین بردن فالون گونگ توسط شکنجه و دیگر جنایات را دربر می‌گرفت. برنامه‌های خاص جیانگ شامل این تصمیمات بود: قرار دادن فالون

<sup>۳۱</sup> به‌طور کلی مشاهده کنید: «جیانگ زمین و سلسله عملیات دوژنگ حزب علیه فالون گونگ» («این آخرین مرحله از کاری است که به‌عنوان «ژوان‌ها» یا «تبدیل اجباری» به آن اشاره می‌شود.» افرادی که از «تبدیل اجباری» امتناع می‌ورزند، در معرض خشونت‌های فزاینده هستند و در بسیاری از موارد، مرگ در انتظار آنان است.»، موجود به زبان فارسی در: <http://fa.minghui.org/index.php/html/articles/3826.html>

<sup>۳۲</sup> به‌طور کلی مشاهده کنید: «نقش جیانگ زمین در آزار و شکنجه فالون گونگ»، بخش ۳، موجود به زبان فارسی در: <http://fa.minghui.org/index.php/html/articles/3786.html>

<sup>۳۳</sup> مشاهده کنید: «نقش جیانگ زمین در آزار و شکنجه فالون گونگ»، بخش ۲، موجود به زبان فارسی در: <http://fa.minghui.org/index.php/html/articles/3786.html>

<sup>۳۴</sup> دادگاه جنایی بین‌المللی مربوط به رواندا و همچنین دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق هر دو صرفاً اجازه پیگرد قانونی علیه همدستی برای نسل‌کشی را صادر می‌کنند، اما برای جنایات جنگی یا جنایت علیه بشریت این اجازه داده نمی‌شود.

گونگ تحت دوزنگ، انتصاب لی لانچینگ و لوئو گان به ریاست «گروه رهبری برای رسیدگی به مسائل فالون گونگ»، نقش رسانه ها و ابزار تبلیغاتی در این طرح کلی به منظور اغوا و حصول اطمینان از حمایت رهبران حزب در تمام سطوح، انتقال سخنرانی ها و دستورالعمل هایش به رهبران حزب، به کمیسیون سیاسی و حقوقی، به دستگاه های تبلیغاتی حزب، به کنگره ملی خلق، دادگاه ها و نظایر آن.<sup>۳۵</sup>

جیانگ زمین با استفاده از همان دلایلی که کوردیچ (و دیگر رهبران) برای دستور و برنامه ریزی آزار و شکنجه مجرم شناخته شدند، مسئول برنامه ریزی شکنجه فالون گونگ است. جیانگ همانند کوردیچ، با ایراد سخنرانی های متعددی فالون گونگ را به عنوان یک تهدید جدی و دشمن حزب معرفی کرد و مشتاقانه خود را برای برنامه ریزی و ساماندهی شکنجه و آزار و اذیت فالون گونگ کارآمد دانست. در واقع، مسئولیت جیانگ حتی روشن تر از این است، زیرا به جای اینکه صرفاً در برنامه های مقامات ارشد مشارکت داشته باشد و آنها را به پیش ببرد، او آغازگر این سلسله مبارزات بود. مشاهده کنید کوردیچ و سرکز، دادگاه استیناف.

### ب. قصد مجرمانه

وضعیت ذهنی الزام آور، همانند مسئولیت صدور دستور است: متخلف «به طور مستقیم یا غیرمستقیم قصد داشته که جرم مورد بحث انجام شود.» بلاسکیچ، دادگاه قضاوت ¶ ۲۷۸؛ کوردیچ و سرکز، دادگاه قضاوت ¶ ۳۸۶؛ باگیلیشما، دادگاه قضاوت ¶ ۳۱؛ بریما و سایرین، دادگاه قضاوت ¶ ۷۶۶. علاوه بر این، فردی که فعلی را برنامه ریزی می کند «با علم به اینکه در اجرای طرح مذکور احتمال ارتکاب جرم و جنایتی وجود دارد» نیز شرط وضعیت ذهنی را برآورده می سازد. کوردیچ و سرکز، دادگاه استیناف ¶ ۳۱.

سؤالی که هنوز پاسخ داده نشده این است که آیا برنامه ریزی کردن به تنهایی قابل مجازات است، (به عنوان مثال، صرف نظر از اینکه آن برنامه ریزی به اجرای جنایت طرح شده، منتهی شود) یا صرفاً تنها در صورتی که واقعاً ارتکاب جرم و جنایت اتفاق بیفتد، قابل مجازات است. این سؤال در مورد جیانگ زمین بی ربط است، چراکه جنایات برنامه ریزی شده توسط جیانگ زمین، در واقع انجام شده اند. برخی از کارشناسان شرطی را اضافه کرده اند که تنها برنامه ریزی جدی یا در مقیاس وسیع جنایات بین المللی (مانند جنایات جنگی گسترده، جنایت علیه بشریت یا نسل کشی) می تواند جرمی مجزا را تشکیل دهد.<sup>۳۶</sup> یک بار دیگر، به دلیل اینکه حداقل، دهها هزار مورد شکنجه فالون گونگ وجود دارد، این شرط در مورد جیانگ زمین مصداق دارد.

از آنجا که ضرورت قصد مجرمانه در مورد مسئولیت برنامه ریزی، مشابه ضرورت مسئولیت صدور دستور است، به دلایل مشابه که در بخش ۳ (ج) بالا بحث شد، این شرط درباره جیانگ زمین صدق می کند.

### ۳- اقدام مجرمانه مشترک

#### معیار حقوقی

<sup>۳۵</sup> مشاهده کنید: «نقش جیانگ زمین در آزار و اذیت فالون گونگ» [که شامل] (اسناد تصویب شده توسط جیانگ مبنی بر ایجاد اداره ۶۱۰ و مستقر کردن رهبران آن و درخواست «دوزنگ» علیه فالون گونگ است و به تفصیل دریافت کنندگان مستقیم و غیرمستقیم این اسناد را مشخص می کند) و «جیانگ زمین و سلسله عملیات دوزنگ حزب علیه فالون گونگ» [که شامل] (چارچوب سلسله عملیات «دوزنگ» در تاریخ چین است و به تفصیل آنچه سلسله عملیات «دوزنگ» مستلزم آن است را مشخص می کند و به طور خلاصه بیانگر نقش جیانگ در سلسله عملیات «دوزنگ» علیه فالون گونگ است).

<sup>۳۶</sup> به آنتونیو کسسه، قانون جنایی بین المللی، ۲۲۶ (سال ۲۰۰۸) مراجعه کنید.

مسئولیت [کیفری] اقدام مجرمانه مشترک (JCE) کاملاً در حقوق بین‌الملل عرفی مقرر شده است. در شکای وی تدیج، دادگاه استیناف، ¶¶ ۲۲۶-۱۹۳ (۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹)، دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) به بررسی دادگاه‌های بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم<sup>۳۷</sup>، معاهدات و کنوانسیون‌ها و قانون اختصاصی کشورها پرداخت و به این نتیجه رسید که مسئولیت اقدام مجرمانه مشترک قانونی است که در حقوق بین‌الملل عرفی کاملاً مقرر شده است و در بند (۱) ماده ۷ قانون دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق مدون شده است. به رسمیت شناختن مسئولیت اقدام مجرمانه مشترک برای تدیج، در پرونده‌های بعدی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق<sup>۳۸</sup>، در ICTR (دادگاه جنایی بین‌المللی مربوط به رواندا)<sup>۳۹</sup> و در SCSL (دادگاه ویژه سیرالئون)<sup>۴۰</sup> دنبال شده است. مسئولیت اقدام مجرمانه مشترک توسط دادگاه‌های ملی داوری جنایات بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده است، مانند اتاق جنایات جنگی دادگاه بوسنی و هرزگوین و پنل ویژه جرائم سنگین تیمور شرقی، دادگاه ویژه لبنان و همچنین سالن‌های فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج. این مقامات تأیید می‌کنند که اکنون مسئولیت اقدام مجرمانه مشترک، به‌طور قطعی در حقوق بین‌الملل عرفی مقرر شده است. عناصر مورد نیاز اقدام مجرمانه مشترک در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد.

## الف. عمل مجرمانه

شرط عمل مجرمانه در ارتباط با مسئولیت اقدام مجرمانه مشترک عبارت است از (۱) تعدد افراد (۲) وجود یک هدف مشترک که منجر به ارتکاب جرم شده یا مرتبط با آن باشد و (۳) مشارکت در اجرای طرح مشترک. تدیج، دادگاه استیناف ¶ ۲۲۷.

برای تعدد افراد ضروری نیست که گروه مزبور در قالب یک ساختار رسمی نظامی، سیاسی یا اداری سازمان‌یافته باشند. همان منبع؛ و/سلجویج، دادگاه استیناف ¶ ۱۰۰. گروه‌های دخیل اغلب بسیار بزرگ هستند و به‌طور گسترده با «اعضای اصلی» مشخص تعریف شده‌اند. برای مثال، در کر/جیسینیج، دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق معتقد بود که علاوه بر اعضای نام‌برده شده «نفرت آن سازمان منطقه‌ای شامل "سیاستمداران محلی، فرماندهان ارتش و پلیس، رهبران شبه نظامی و سایرین" بوده است.» کر/جیسینیج، دادگاه قضاوت، ¶ ۸۸-۱۰۷۹.

برای نشان دادن وجود یک هدف مشترک، دادگاه تجدید نظر تدیج تشریح کرد که «در اینجا هیچ ضرورتی وجود ندارد که این برنامه، طرح یا هدف از قبل نظم و ترتیب یافته یا تدوین شده باشد. برنامه یا هدف مشترک ممکن است به‌طور فی‌البداهه تحقق پیدا کند و از این واقعیت استنباط شده باشد که گروهی از افراد با هماهنگی و هم‌اندیشی یک اقدام مجرمانه مشترک را اجرا می‌کنند.» تدیج، دادگاه استیناف ¶ ۲۲۷. کر/جیسینیج را نیز مشاهده کنید، دادگاه قضاوت، ¶¶ ۸۴-۸۸۳. هدف مجرمانه مشترک می‌تواند صریحاً مجرمانه باشد یا می‌تواند منجر به ارتکاب جنایات شود. برای نمونه، هدف مشترک برای به‌دست گرفتن کنترل یک

<sup>۳۷</sup>. مفسران به‌طور ویژه، محاکمات نورنبرگ را به‌عنوان یک «لحظه گروتیان» توصیف کرده‌اند، گسترشی قابل‌تغییر که در آن قوانین جدید و دکترین حقوق بین‌الملل عرفی با سرعتی غیرمعمول پدیدار می‌شود و مورد پذیرش قرار می‌گیرند. مایکل پی. شارف، *تصرف لحظه گروتیان: تکوین شتابمند حقوق بین‌الملل عرفی در زمان تغییرات اساسی*، ژورنال بین‌المللی حقوق دانشگاه کورنل، جلد ۴۳، ۱۹ (سال ۲۰۱۰). نظریه جدید اقدام مجرمانه مشترک تبلور یافته از «برنامه مشترک» یا «طرح مشترک» شیوه مسئولیتی است که در این دادگاه‌ها مورد استفاده قرار گرفت و از آن به بعد به‌طور گسترده پذیرفته شده است. تدیج، دادگاه استیناف، ¶¶ ۲۲۰-۱۹۳ را مشاهده کنید.

<sup>۳۸</sup>. به‌عنوان نمونه و/سلجویج، دادگاه استیناف؛ کرووکا، دادگاه استیناف؛ کرونجلاج، دادگاه قضاوت را مشاهده کنید.

<sup>۳۹</sup>. به‌عنوان نمونه تصمیم *روماکویا* ¶¶ ۲۵-۱۴ (۲۲ اکتبر ۲۰۰۴)؛ *کاپیشما*، دادگاه قضاوت را مشاهده کنید.

<sup>۴۰</sup>. به‌عنوان نمونه، *تیلور*، دادگاه استیناف را مشاهده کنید.

منطقه ممکن است مجرمانه نباشد، اما اگر وسیله دستیابی به آن شامل جنایاتی باشد، مانند پاکسازی اقلیت‌ها، ممکن است منجر به یک هدف مجرمانه شود. بریما و سایرین را مشاهده کنید، دادگاه استیناف، ¶۸۰-۷۶.

با اشاره به دو عنصر اول (تعدد افراد و یک هدف مشترک)، دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق ضرورت «اقدام مشترک» را تأیید کرده است: «این هدف مشترک است که شروع به تبدیل تعدادی از افراد به گروه یا سازمانی می‌کند، زیرا این گروه از افراد، هدف خاص مشترکی دارند. به هر حال بدیهی است که یک هدف مشترک همیشه به تنهایی برای تعیین ماهیت یک گروه کافی نیست، چراکه ممکن است گروه‌های مستقل و متفاوت، اهداف یکسان مشترکی داشته باشند. بلکه تعامل و همکاری در میان افراد و اقدام مشترک‌شان است که علاوه بر هدف مشترک‌شان، آن افراد را به یک گروه تبدیل می‌کند.» کراچیسنیچ، دادگاه قضاوت ¶۸۸۴. (تأکید افزوده شده است).

به منظور اثبات مشارکت: «مشارکت الزاماً دخالت در ارتکاب یک جرم خاص نیست... اما ممکن است شکلی از معاونت یا همکاری در اجرای برنامه یا هدف مشترک باشد.» تادیچ، دادگاه استیناف ¶۲۲۷. برای نمونه بیانیه‌های عمومی تحت حمایت آزادی بیان، بخشی از مشارکت متهم در پاکسازی قومی منطقه صرب‌نشین سرزمین بوسنی در نظر گرفته شد. کراچیسنیچ، دادگاه استیناف، ¶۲۱۸ و ۹۶-۶۹۵. مسئولیت و تعهد صرفاً به دلیل عضویت شخص در سازمان یا گروهی مجرمانه برای او ایجاد نمی‌شود. استاکیچ دادگاه قضاوت ¶۴۳۳. متهم می‌بایست اقدامی در اجرای برنامه جنایت کرده باشد. همان منبع. بهر حال لازم نیست متهم، به طور فیزیکی در جنایت مشارکت کند یا به‌طور فیزیکی در جنایت حضور داشته باشد. کووکا، دادگاه استیناف ۱۱۲ و ۹۹-۹۷؛ کراچیسنیچ، دادگاه قضاوت ¶۸۸۳؛ کرنوجلاچ، دادگاه قضاوت ¶۸۱. تصمیمات اخیر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق بیان می‌دارد در حالی که مشارکت «لازم نیست واجب و قابل توجه باشد، آن باید حداقل مشارکت قابل ملاحظه‌ای در جنایات باشد.» بردانین، دادگاه استیناف، ¶۴۳۰.

همانطور که در ادامه بیان می‌شود، جیانگ زمین دست به یک اقدام جنایی مشترک زد و در آن مشارکت کرد تا از طریق ارتکاب جنایاتی که شامل شکنجه نیز می‌شد، از سرکوب خشونت‌آمیز و مداوم فالون گونگ در چین اطمینان پیدا کند.

این اقدام جنایی مشترک از اکتبر ۱۹۹۹ ایجاد شد و تا امروز نیز ادامه دارد، البته مطمئن نیستیم که پیش از آن وجود نداشته است. افرادی که در این اقدام مجرمانه مشترک مشارکت می‌کردند عبارتند از بنیانگذار و معمار اصلی آن یعنی جیانگ زمین و معاونان نزدیکش لوئو گان و لی لانچینگ که نقش اصلی را در کمک به جیانگ زمین برای ایجاد، طراحی و اجرای سلسله عملیات سرکوب فالون گونگ ایفا کردند و دیگران. به علاوه نقش‌های کلیدی توسط این مباشران جرم انجام شد: ژو یونگ کانگ که اکنون به خاطر جرایم فساد تحت بازجویی است و طی سال‌های آزار و شکنجه از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ وزیر امنیت عمومی بوده است؛ ژائو ژین که از همان اوایل سال ۱۹۹۸ به عنوان عامل تبلیغاتی مهم برای سلسله مبارزات تبلیغاتی جیانگ زمین علیه فالون گونگ ایفای نقش کرد؛ زنگ چینگ‌هونگ که هنگام آغاز آزار و شکنجه رئیس بخش سازمانی ح.ک.چ بود و چن ژیلی که هنگام شروع آزار و شکنجه به‌عنوان وزیر آموزش و پرورش مشغول به کار بود.

جنایت شکنجه به‌عنوان مرحله نهایی سلسله مبارزات «دوژنگ» به‌طور کامل هدف اقدام مجرمانه مشترک بود. همانطور که در بالا اشاره شد، وقتی گروهی مانند فالون گونگ به‌عنوان گروه هدف برای «دوژنگ» تعیین می‌شود، به‌وضوح می‌توان از آن چنین

استنباط کرد: بیرون رفتن از حوزه قانون و آزار و اذیت و تبدیل اجباری، یعنی شکنجه آن شخص یا گروه ضروری است و آن گروه موردنظر، فالون گونگ است.

جیانگ زمین، لوئو گان، لی لانچینگ، ژو یونگ کانگ، ژائو ژیژن و سایر همکارانی که در این اقدام مجرمانه مشترک دست داشتند، برای شروع آزار و اذیت و شکنجه فالون گونگ و تشدید متعاقب آن، این هدف را به طور مشخص تری با استفاده از همان سبک توهین آمیز انقلاب فرهنگی، مانند دوژنگ، ژوان هو/ و جی ییپی نشان دادند. علاوه بر این، در وب سایت حزب، به تبدیل اجباری، یعنی شکنجه پیروان فالون گونگ، به عنوان یک جزء ضروری سلسله مبارزات برای اطمینان از سرکوب اجباری و دائمی این گروه معنوی، اشاره شده است. وب سایت های حزب همان سبک توهین آمیز انقلاب فرهنگی را به کار می گیرند تا زمینه ای برای مشارکت همه طرفداران حزب فراهم کند، از جمله کسانی که دستور به انجام شکنجه داشتند، یعنی مأموران امنیت چین که در بازداشتگاه های سراسر چین مستقر شده اند. به عنوان یک نمونه، انجمن ضد فرقه چین که «دوژنگ» فالون گونگ را به عنوان مأموریت اصلی اش اعلام می کند، پر از مقالاتی با دستور جیانگ است که در آنها دستور به آزار و شکنجه و تلویحاً تبدیل اجباری تمامی فالون گونگی های شناخته شده در سراسر چین داده شده است.<sup>۴۱</sup>

علاوه بر این همانطور که در بالا ذکر شد، مجموعه بسیار بزرگ و در حال رشدی از کتاب ها و مطالب گمراه کننده ضد فالون گونگ وجود دارد که به دنبال متقاعد کردن مخاطبان چینی است مبنی بر اینکه فالون گونگ تهدیدی خطرناک و غیربشری برای جامعه است که باید شدیداً سرکوب یا ریشه کن شود. مباشران اقدام مجرمانه مشترک این اطلاعات غلط را از طریق دستگاه تبلیغاتی حزب، از جمله برنامه های تلویزیون مرکزی چین، منتشر می کنند.

جیانگ زمین برای موفقیت اقدام مجرمانه مشترک در هدفش، در هماهنگی با افراد دیگر یا از طریق آنها در این اقدام مجرمانه مشترک عمل کرد. در حالی که هر شرکت کننده در جرم یا همکار مشارکت کننده درون اقدام مجرمانه مشترک، در قصد سرکوب شدید فالون گونگ (از طریق شکنجه و سایر جرائم) سهیم بودند، هر کدام از آنها نقش خویش را ایفا می کردند که به میزان قابل توجهی در دستیابی به هدف این اقدام که همان سرکوب اجباری و دائمی فالون گونگ در چین از طریق ارتکاب جرائمی از جمله شکنجه بود، مشارکت می کردند. نقش مشارکت کنندگان یا مباشران جرائم شامل موارد زیر است اما به آنها محدود نمی شود:

۱. لی لانچینگ از سال ۱۹۹۷ تا نوامبر ۲۰۰۲ عضو کمیته دائمی پولیتبورو پانزدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بود. در دهم ژوئن ۱۹۹۹ لی لانچینگ به ریاست «گروه رهبری برای رسیدگی به مسائل فالون گونگ» منصوب شد. اداره ۶۱۰ سازمان اجرایی این گروه است. از این رو لی لانچینگ مسئولیت سیاست گذاری و اجرایی این سازمان را از زمان تأسیس در دهم ژوئن ۱۹۹۹ به عهده داشته است. از آن زمان تا سال ۲۰۰۲ لی لانچینگ رئیس «گروه رهبری» بوده است و در نتیجه مستقیماً مسئول اقدامات خشونت آمیز این نهاد رسمی است که به منظور سرکوب فالون گونگ بوده است. بنابراین او را باید عامل فعالیت های روزانه شکنجه، کشتار، ناپدید شدن، تجاوز، فشار و تهدیداتی دانست که به طور معمول توسط اداره پلیس تحت اختیار مستقیم او انجام شده است. دادخواست های قانونی در کشورهای فرانسه، اسپانیا، آلمان و

<sup>۴۱</sup>. انجمن رهبران منابع انسانی نسخه ای دائلود شده از کل وبسایت را در اختیار دارد که در صورت درخواست موجود است.

یونان و دیگر کشورها علیه لی لانچینگ تنظیم و به ثبت رسیده است. وقتی مقامات در چین از ارائه سؤالات ویژه بازجویی (یعنی سؤالات دادگاه نیابت قضایی) به متهم خودداری کردند، پرونده ثبت شده در فرانسه ناکام ماند.

۲. **لوئوگان:** هنگامی که سلسله مبارزات «دوژنگ» علیه فالون گونگ آغاز شد، لوئوگان مسئول کمیته مرکزی حزب در امور سیاسی و حقوقی با قدرت نامحدود بود. او به عنوان فرد معتمد جیانگ زمین، رئیس پیشین دولت چین، به معاونت رئیس «گروه رهبری» منصوب شد و به عنوان مسئول اصلی آزار و شکنجه فالون گونگ در چین شناخته می شود. در دادگاه های سراسر جهان، از جمله در ایالات متحده (سال ۲۰۰۲)، اسپانیا (۲۰۰۳)، فنلاند (۲۰۰۳)، آلمان (۲۰۰۳) و آرژانتین (۲۰۰۵)، اتهامات نسل کشی و جنایات علیه بشریت شامل شکنجه، علیه اداره ۶۱۰ و لوئوگان مطرح شد. در نوامبر ۲۰۰۹ در پی یک تحقیق دو ساله، اسماعیل مورنو، قاضی دادگاه ملی اسپانیا، کیفرخواستی را مبنی بر متهم کردن لوئوگان به اعمال شکنجه و نسل کشی صادر کرد. در دسامبر ۲۰۰۹ قاضی دادگاه جنایی فدرال، اکتاویو لامیدراد، به دنبال یک بررسی جامع که از افراد متخصص و شهادت شاهدان و سایر شواهد به عمل آورد، حکم بازداشت جیانگ زمین و لوئوگان را صادر کرد. به دلیل دخالت سیاسی از سوی حزب در چین، از این کیفرخواست و حکم بازداشت صرف نظر شد.

۳. **ژو یونگ کانگ:** از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ در سمت وزیر امنیت عمومی مشغول به کار بود. او در آن جایگاه، قدرت اجرایی اش را بر مأموران پلیس و نیروهای امنیتی فعال در سراسر کشور از طریق تعیین خط مشی، مدیریت کنترل امور امنیتی و انتصاب، برکناری و انضباط پلیس و پرسنل امنیتی بازداشتگاه اعمال می کرد. این شامل عملیات همه سطوح دولت و دستگاه های حزب مرتبط با طرف هایی چون مأموران پلیس و نگهبانان امنیتی مسئول مستقیم شکنجه طرفداران فالون گونگ در زندان ها، اردوگاه های کار اجباری و بازداشتگاه ها بود. او از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ رئیس کمیته پر قدرت امور حقوقی و سیاسی حزب بود که به طور یکسان نقش بارزی را در سلسله عملیات سرکوب گرانه ضد فالون گونگ جیانگ زمین ایفا می کرد. از این رو او را باید به عنوان مرتکب و شریک اصلی شکنجه هرروزه، کشتارها، ناپدید شدن ها، تجاوزها، اعمال فشار و تهدیداتی دانست که نیروهای پلیس تحت نظارت مستقیم و مقتدرانه او انجام می دادند. در ایالات متحده یک پرونده جنایی تحت عنوان ۱۸ از بخش ۲۳۴۰ علیه ژوئو یونگ کانگ ثبت شد. اما به دلیل تصمیم متهم مبنی بر لغو سفرش به ایالات متحده، آن پرونده دنبال نشد.

۴. **چن ژیلی:** از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳ در مقام وزارت آموزش و پرورش مشغول به کار بود. او در این جایگاه مسئول تصمیم گیری در مورد دستور برنامه های تحصیلی، سیاست داخلی وزارت آموزش و پرورش و دنباله روی از دستورالعمل های سیاسی تعیین شده از سوی حزب یا پیاده سازی این سیاست گذاری ها در مؤسسه های آموزشی بود. در حالی که با شروع آزار و شکنجه فالون گونگ در سال ۱۹۹۹ به این سمت منصوب شد، او در این مقام شرایطی را برای همدستی مؤسسات آموزشی ایجاد کرد تا در پیدا کردن تمرین کنندگان فالون گونگ و ارائه گزارش آنها به اداره ۶۱۰ یا سایر مراجع مربوطه مشارکت کنند. همچنین برنامه های درسی و سایر متون آموزشی را تهیه و اجرا می کرد که با افترا زدن به فالون گونگ به پیشبرد آزار و شکنجه آن کمک می کردند. تحت رهبری او در وزارت آموزش و پرورش و با اظهارات رسمی، غیررسمی و نیمه رسمی تحریک آمیزش که خواستار حذف فالون گونگ بودند، تعدادی از مؤسسه های آموزشی و کارمندان مرتکب تخلف های مهمی علیه تمرین کنندگان فالون گونگ شدند که نقض معیارهای قانون بین المللی بود. چن ژیلی بیانیه های زیادی را صادر کرد که طی آنها خواستار «نشان دادن» فالون گونگ به عنوان «یک نیروی متخاصم» و نیز اعمال سرکوب



خشونت‌آمیز یا شدت عمل نسبت به پیروان فالون گونگ بود. طی دوره تصدی او تعداد زیادی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ که در سطوح مختلف سیستم آموزشی چین درس می‌خواندند و تدریس می‌کردند، توسط سایر افراد موجود در اجتماع آموزشی به خاطر تمرین فالون گونگ، «لورفتند و مورد سرزنش» قرار گرفتند یا به‌نوع دیگری مورد تبعیض قرار گرفتند و همزمان ملزم شدند تا از تمرین فالون گونگ دست بکشند که درغیراین صورت به مقامات امنیتی گزارش داده می‌شدند. آنهایی که گزارش‌شان به اداره ۶۱۰ یا به دستگاه‌های امنیت دولتی داده شد، بعد از آن در معرض خشونت‌های متعددی از جمله شکنجه، حبس‌های خودسرانه، خشونت‌های جنسی و در بعضی موارد قتل برون‌دادگاهی قرار گرفتند.

۵. ژائو ژیژن از نوامبر سال ۲۰۰۰، عضو کمیته دائمی هدایت شورای اجرایی انجمن ضد فرقه چین (CACA) بود و همچنین از سال ۱۹۸۶ تا دست‌کم ۲۰۰۳، به عنوان رئیس پیشین اداره رادیو و پخش تلویزیون ووهان (WRTB) و نیز مدیر اجرایی پیشین ایستگاه تلویزیونی ووهان (WTV) فعالیت داشت. در دوران تصدی ژائو در این ادارات و این جایگاه‌ها، او از مقامش به‌عنوان شخصیتی تأثیرگذار در جامعه چین استفاده کرد و کماکان استفاده می‌کند تا با حکم اقتدار ایدئولوژیکی از طرف ح.ک.چ خواستار ادامه «دوژنگ» آزار و اذیت فالون گونگ تا ریشه‌کنی آن و شکنجه طرفدارانش تا تسلیم کامل ایدئولوژیکی آنها شود. در پرتو رهبری او در انجمن ضد فرقه چین و تحریک نشریات و برنامه‌های او در رادیو و تلویزیون، سازمان امنیت چین مرتکب خشونت‌های تأثرانگیزی علیه تمرین‌کنندگان فالون گونگ شد که نقض معیارهای قانون بین‌المللی بود. ژائو ژیژن شخصاً بیانیه‌های بسیاری را صادر کرد و طی آنها خواستار «دوژنگ»، «ژوان‌هو» و «جیه‌پی» علیه فالون گونگ شد. به‌عنوان عامل اصلی تبلیغات برای جیانگ زمین با در اختیار داشتن سرمایه ایدئولوژیکی و فکری عظیم، بایستی او را همدست اصلی در ارتکاب جرائمی از قبیل شکنجه روزانه، کشتارها، ناپدید شدن‌ها، تجاوزها، اعمال فشار و تهدیداتی محسوب کرد که توسط مأموران امنیتی و سایرین در چین انجام می‌شود.

جیانگ زمین به‌تنهایی و با توافق دیگر اعضای اقدام مجرمانه مشترک، به‌شیوه‌های زیر مرتکب این اعمال مجرمانه شد:

- جیانگ زمین در مقامش به‌عنوان دبیر کمیته مرکزی ح.ک.چ کنترل مؤثر و نفوذ قابل توجهی بر رهبران فوق‌الذکر حزب اعمال کرد که در اقدام مجرمانه مشترک مشارکت داشتند. جیانگ زمین به‌تنهایی یا با همراهی آنها و دیگر افراد شناس و ناشناس، علاوه بر اداره امنیت چین که تحت نظارت و کنترل وی عمل می‌کرد، به‌طور مؤثری در کنترل و نفوذ بر اقدامات همه رهبران حزب در تمامی سطوح و در همه جایگاه‌ها تأثیرگذار بود.
- او در مقامش به‌عنوان دبیر کمیته مرکزی ح.ک.چ این توان را نیز داشت که شرایط همکاری کامل نیروهای مسلح چین، دادگاه‌های خلق، دادستانی خلق، کنگره ملی خلق در سطوح ملی و (مستقیماً) در سطوح منطقه‌ای مربوطه را فراهم بیاورد. از آنجا که جیانگ زمین تقریباً به‌طور همزمان در مقام رئیس‌جمهور و رئیس دولت و رئیس کمیسیون نظامی مرکزی بود، شرایطی را فراهم آورد که این دستورات، طرح‌ها و آموزش‌ها مسدود نشوند، بلکه درعوض به‌طور جدی در سراسر چین اجرا شوند.

- جیانگ زمین به عنوان دبیر کمیته مرکزی ح.ک.چ، حمایت سیاسی، لجستیک و استراتژیک خود را به دبیران حزب در تمام سطوح ارائه می‌کرد. این رهبران حزب متعاقباً با صدور دستورات به زیردستان‌شان برای ملحق شدن به این اقدام مجرمانه مشترک در اقدام مجرمانه مشترک شرکت کردند تا از سرکوب خشونت‌آمیز و مداوم فالون گونگ مطمئن شوند.
- همانطور که به تفصیل در مقاله «جیانگ زمین و سلسله عملیات دوژنگ حزب علیه فالون گونگ» ذکر شد<sup>۴۲</sup>:
  - جیانگ زمین از طریق سلسله مراتب فرماندهی که شامل کمیته امور حقوقی و سیاسی، بخش سازمانی، کمیسیون نظامی مرکزی، بخش تبلیغات و رسانه‌های شاخص مربوطه و هم‌تایان‌شان در سطوح منطقه‌ای بود، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم حمایت‌های سیاسی، لجستیکی و استراتژیکی خود را به همه کمیته‌های دیگر حزب که در سلسله مبارزات آزاردهنده دست داشتند، ارائه می‌کرد.
  - جیانگ زمین از طریق سلسله مراتب فرماندهی که شامل دادگاه‌های خلق و دادستانی خلق، وزارت دادگستری، وزارت امنیت عمومی، وزارت امور داخلی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان دولتی امور مذهبی و هم‌تایان‌شان در سطوح منطقه‌ای بود، حمایت‌های سیاسی، لجستیکی و استراتژیکی خود را به تمام دیگر ارگان‌های دولتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در سلسله عملیات آزار و اذیت دست داشتند، ارائه می‌کرد.
  - جیانگ زمین از طریق سلسله مراتب فرماندهی که در مقاله «نقش جیانگ زمین در آزار و شکنجه فالون گونگ، خلاصه حقوقی از این پرونده» تشریح شد، حمایت‌های سیاسی، لجستیکی و استراتژیکی خود را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به سازمان امنیت چین و به تفصیل به مراکز شستشوی مغزی، بازآموزی از طریق کار طاقت‌فرسا، بازداشتگاه‌ها و زندان‌های سراسر چین ارائه می‌کرد.<sup>۴۳</sup>

## ب- قصد مجرمانه

سه دسته مسئولیت اقدام مجرمانه مشترک وجود دارد که هر یک الزامات نیت مجرمانه خودش را دارد. از آنجا که دسته دوم مربوط به این مقوله نمی‌شود، صرفاً دسته اول و سوم در ادامه آورده شده است.

**ابتدایی** - ابتدایی‌ترین شکل مسئولیت اقدام مجرمانه مشترک، مسئولیت در قبال اقداماتی است که هنگام برنامه‌ریزی مشترک یا طراحی توافق شدند. همه اعضای مشارکت‌کننده در این اقدام مجرمانه در ارتکاب جرم مشترک، قصد مجرمانه یکسانی دارند و تمامی اعضای اقدام مجرمانه مشترک، صرف نظر از نقشی که ایفا می‌کنند، مسئول هستند. *تادیچ*، دادگاه استیناف، ۱۹۶۹ و ۲۲۸؛ *واسیلوویچ*، دادگاه استیناف، ۹؛ *کراچیسنیچ*، دادگاه قضاوت، ۷۹. متهم برای داشتن قصد پیشبرد هدف مجرمانه مشترک، لازم نیست هیچ «اشتقاق، رضایت شخصی یا قصد شخصی» داشته باشد یا قصدش از آنها ناشی شده باشد. *کیوکا*، دادگاه استیناف، ۲۴۲. نمونه کلاسیک قابل ذکر از اقدام مجرمانه مشترک برای ارتکاب قتل این است که هر یک از مشارکت‌کنندگان برای انجام قتل نیت خاصی دارد اما هر یک با ایفای نقش متفاوتی در انجام قتل مؤثرند. *تادیچ*، دادگاه استیناف، ۱۹۶.

<sup>۴۲</sup>. در این لینک به زبان فارسی موجود است: <http://fa.minghui.org/index.php/html/articles/3826.html> همچنین شرح مفصل‌تری را در گزارش سال ۲۰۰۵ انجمن رهبران منابع انسانی با عنوان «سلسله مراتب فرماندهی» ببینید که کمیته‌های حزب و ارگان‌های دولتی در تمام سطوح را متهم دانسته است. این سند در صورت درخواست موجود است.

<sup>۴۳</sup>. موجود به زبان فارسی در <http://fa.minghui.org/index.php/html/articles/3786.html>

توسعه یافته. سومین نوع مسئولیت، به مشارکت کنندگانی مربوط می‌شود که در هدف اصلی طراحی مشترک جرم توافق دارند (برای مثال، اخراج اجباری غیرنظامیان) اما در هدف و خواست یکی از اعضای گروه یا تعداد بیشتری از آنها مبنی بر ارتکاب جنایتی مرتبط با جنایت اصلی توافق شده، سهیم نیستند. (برای مثال بدرفتاری یا کشتن برخی از غیرنظامیان در حین کار) مثال این مورد را در تادیج، دادگاه استیناف، ¶ ۲۰۴؛ و/اسیلاجویج، دادگاه استیناف، ¶ ۹۹؛ کراچیسینیج، دادگاه قضاوت، ¶ ۸۸۱ مشاهده کنید. الزامات توسعه‌یافته اقدام مجرمانه مشترک عبارتند از: (۱) قصد ارتکاب جنایت اصلی توافق شده (اقدام مجرمانه مشترک ابتدایی)؛ (۲) برای متهم قابل پیش‌بینی باشد که سایر اعضای گروه ممکن است جنایت دیگری را مرتکب شوند؛ و (۳) متهم مشتاقانه احتمال جنایت قابل پیش‌بینی را بپذیرد. تادیج، دادگاه استیناف، ¶ ۲۲۰ و ۲۲۸؛ کیووکا، دادگاه استیناف، ¶ ۸۶؛ کراچیسینیج، دادگاه قضاوت، ¶ ۸۸۲. بحث‌هایی مبنی بر لزوم قابلیت پیش‌بینی وجود دارد مبنی بر این که آیا واقعاً لازم است مجرم ثانویه احتمال را به‌طور نظری پیش‌بینی کند یا اینکه قابلیت پیش‌بینی عینی آن احتمال لازم است. (به این معنی که یک شخص منطقی بایستی احتمال را پیش‌بینی کرده باشد.) به نظر می‌رسد که تادیج، کرسیتیج و/استاکیج به‌طور کلی استاندارد عینی را به‌کار بسته‌اند که معیار پایین‌تری است.

همانطور که در بالا اشاره شد، جیانگ زمین آگاهانه و با میل و رغبت در اقدام مجرمانه مشترک شرکت می‌کرد، درحالی‌که از تمام پیامدهای قابل پیش‌بینی این اقدام آگاه بود. بنابراین او مطابق هر دو حالت مسئولیت اقدام مجرمانه مشترک، «اولیه» و «توسعه یافته»، واجد شرایط قصد مجرمانه می‌باشد.

#### ۴- مساعدت و تحریک به انجام جرم

در قانون جنایی بین‌المللی، مسئولیت مساعدت و تحریک به انجام جرم به‌طور کامل مقرر شده است. بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، بند ۱ ماده ۶ اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی مربوط به رواندا و بند ۱ ماده ۶ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون همگی «شخصی که... در برنامه‌ریزی، آماده‌سازی یا اجرای جرمی مساعدت یا تحریک ایجاد کند...» را مجرم محسوب می‌کنند.<sup>۴۵</sup>

مساعدت و تحریک به عنوان حالتی مأخوذ از مسئولیت، نخست مستلزم این است که متهم ادعا کند مرتکب اصلی تخلف اساسی را مساعدت و تحریک کرده است. سیمیج، دادگاه قضاوت، ¶ ۱۶۱؛ لکسوسکی، دادگاه استیناف، ¶ ۱۶۵. اما شخصی که مساعدت و تحریک به انجام جرم می‌کند، می‌تواند «حتی در جایی که مشارکت‌کنندگان اصلی محاکمه یا شناسایی نشده باشند» مجرم شناخته شود، کرسیتیج دادگاه استیناف ¶ ۱۴۵؛ و لازم نیست مجرم اصلی از کمک همدستان آگاه بوده باشد، تادیج، دادگاه استیناف، ¶ ۲۲۹. به‌طور کلی مساعدت و تحریک، نسبت به شخصی که در ارتکاب یک اقدام مجرمانه مشترک همکاری می‌کند، درجات کمتری از مسئولیت مجرمانه شخصی را شامل می‌شود. کرنوجلاچ، دادگاه استیناف، ¶

<sup>۴۴</sup>. به گفته برخی از مفسران حتی آگاهی از نتیجه احتمالی عملی یا بی‌مبالاتی ممکن است کافی باشد تا تمامی مشارکت‌کنندگان مسئول کیفری محسوب شوند. برای مثال، اگر یک گروه از نظامیان تصمیم بگیرند غیرنظامیان را از آب و غذا محروم کنند تا به این شکل آنها را وادار کنند نام سایر افراد غیرنظامی را که به ارتش حمله کرده‌اند، افشا کنند و در این بین برخی از افراد غیر نظامی بمیرند، نه تنها همه نظامیان باید پاسخگوی اقدام مجرمانه مشترک در ارتکاب جنایات جنگی گرسنگی دادن عمدی به شهروندان باشند، بلکه به‌خاطر قتل نیز باید پاسخگو باشند زیرا مرگ پیامد طبیعی و قابل پیش‌بینی طرح مجرمانه مشترک‌شان بود. به آنتونیو کسپسه، محدودیت‌های مناسب مسئولیت فردی مطابق دکترین اقدام مجرمانه مشترک، ژورنال بین‌المللی جنایت شماره ۵، ۱ (سال ۲۰۰۷) مراجعه کنید.

<sup>۴۵</sup>. اصطلاحات «مساعدت» و «تحریک» اشاره به مفاهیم حقوقی مشخصی می‌کنند: «مساعدت» به‌معنای معاونت یا کمک به دیگری است تا مرتکب جنایت شود در صورتی که «تحریک» به‌معنای تشویق، توصیه و یا برانگیزش به ارتکاب جرم است. «سمانزا، دادگاه قضاوت ¶ ۲۸۴.

۷۵. دادگاه‌های ویژه به منظور ایجاد مسئولیت مساعدت و تحریک در قانون جنایی بین‌المللی، معیارهای زیر را برای قصد مجرمانه و عمل مجرمانه مقرر کرده است.

### الف. قصد مجرمانه

ضروری نیست که شریک جرم در قصد مجرمانه مباشر جرم سهیم باشد. *فورونزیجا*، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۴۵. در عوض محکمه‌های بین‌المللی به طور یکسانی معتقد بوده‌اند که مساعدت کننده و تحریک کننده باید صرفاً «بداند که اعمالش به مشارکت کنندگان در ارتکاب جرم کمک خواهد کرد.» نمونه این مورد را در *فورونزیجا*، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۴۵؛ *دلایچ*، دادگاه قضاوت، ¶ ۳۲۱؛ *تادیچ*، دادگاه استیناف، ¶ ۲۲۹؛ *واسلیجویچ*، دادگاه استیناف، ¶ ۱۰۲؛ *بلاگوجویچ و جوکیچ*، دادگاه استیناف، ¶ ۱۲۷ مشاهده کنید.

در این خصوص که آگاهی متهم چقدر باید دقیق و مشخص باشد، ابهامی وجود دارد. در سطری از این احکام صراحتاً بیان شده است: «ضروری نیست که مساعدت کننده و تحریک کننده از ماهیت دقیق جرمی که قصد انجام آن شد و اینکه در کدام رویداد مشارکت شد، مطلع باشد. اگر او مطلع باشد که احتمالاً یکی از آن تعداد زیاد جنایات انجام خواهد شد و در واقع یکی از آن جنایات مرتکب شده باشد، او... به عنوان مساعدت کننده و تحریک کننده مجرم شناخته می‌شود. نمونه این مورد را مشاهده کنید در *بلاسکیچ*، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۸۷؛ *فورونزیجا*، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۴۶؛ *کوکل*، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۵۵؛ *نالتلیچ*، دادگاه قضاوت، ¶ ۶۳. از سویی دیگر، سطر دیگری از این پرونده‌ها، شامل *بلاگوجویچ و جوویچ*، *کوناراج*، *کرنوجلاچ* و دادگاه‌های سیمیچ، لازم دانسته‌اند که متهمان بدانند که اعمالشان به ارتکاب جرم خاصی مساعدت می‌کند. مشاهده کنید نمونه این مورد را در سیمیچ، دادگاه قضاوت، ¶ ۱۶۳؛ *کوناراج*، دادگاه قضاوت، ¶ ۳۹۲؛ *کرنوجلاچ*، دادگاه قضاوت، ¶ ۹۰.

در این باره عدم قطعیت وجود دارد که میزان آگاهی باید تا چه حدی فراتر از فعالیت های خود شرکای جرم و مرتبط با وضعیت ذهنی مجرم اصلی باشد. این مورد را در *جیمز جی استوارت*، *پایان انواع مسئولیت در قبال جنایات بین‌المللی*، ژورنال بین‌المللی قانون لیدن، جلد ۲۵ صفحه ۱۶۵ و ۱۹۶ (سال ۲۰۱۲) مشاهده کنید. از آنجا که دادگاه‌های بین‌المللی به طور کامل به این موضوع نپرداخته‌اند، برخی تصمیم‌ها ارائه کننده این پیشنهاد بودند که «عنصر خواست و اراده بایستی ضمیمه استانداردهای قانونی شود» تا در جایی که «آگاهی از هر نوع احتمالی» برای تحمیل مسئولیت پذیری کافی است، از کم رنگ شدن معیار آگاهی به سمت معیار عدم حس مسئولیت پذیری ممانعت کنند. *بلاسکیچ*، دادگاه استیناف، ¶ ۴۱؛ *اورویچ*، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۸۸؛ *بلاسکیچ*، دادگاه قضاوت. اما این تدوین به طور گسترده تری از زمان *اورویچ* پذیرفته نشده است. در هر حال، به نظر می‌رسد که خواست مشارکت کردن، به معنی یک «تصمیم آگاهانه برای مشارکت کردن» یا

<sup>۴۱</sup>. اقدام مجرمانه مشترک نیز مانند مساعدت و تحریک، ارتکاب جرم اصلی را ضروری می‌داند؛ به این دلیل که آن یک جرم اصلی نیست بلکه شکلی از مسئولیت است. اما اقدام مجرمانه مشترک با مساعدت و تحریک چهار تفاوت اساسی دارد: اول اینکه در اقدام مجرمانه مشترک همه مشارکت کنندگان مانند مجرم اصلی مسئول هستند، نه اینکه به عنوان ابزار کمکی و یا همدست در نظر گرفته شوند. *تادیچ*، دادگاه استیناف ¶ ۲۲۹، *واسلیجویچ*، دادگاه استیناف ¶ ۱۰۲. دوم اینکه مساعدت و تحریک مستلزم اثبات طرح یا موافقتی نیست، در حالی که اقدام مجرمانه مشترک آن را لازم می‌داند. همان منابع. سوم اینکه، مساعدت کننده و تحریک کننده باید «کمک‌های قابل توجهی» را ارائه کند، در حالی که در اقدام مجرمانه مشترک «کافی است شرکت کنندگان اعمالی را انجام دهند که به طریقی به پیشبرد طرح یا هدف مشترک کمک کند.» *تادیچ*، دادگاه استیناف ¶ ۲۲۹. علاوه بر این، تصمیم‌های اخیر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق حاکی از این است که: در حالی که مساعدت «لازم نیست ضروری و یا اساسی باشد، حداقل باید کمک قابل توجهی به جنایات باشد.» *بردجانین*، دادگاه استیناف ¶ ۴۳۰. چهارم اینکه مساعدت و تحریک آگاهی به قصد مجرمانه را ضروری می‌داند؛ اقدام مجرمانه مشترک قصد دنبال کردن هدف جنایی را لازم می‌داند. *کوروکا*، دادگاه استیناف ¶ ۹۰-۸۹.

«آگاهی از احتمال مستدل و واقعی که جنایتی رخ خواهد داد... باید به منزله پذیرش آن جنایت محسوب شود.» بلاسکیچ، دادگاه استیناف، ¶ ۴۲؛ تادیچ، دادگاه قضاوت، ¶ ۶۷۴.

با به کارگیری این درخصوص جیانگ زمین، روشن است که جیانگ می دانست که سازماندهی این سلسله عملیات آزار و شکنجه علیه فالون گونگ که توسط او صورت گرفت، سبب خواهد شد که اقدامات شکنجه به طور اساسی و مشخصی گسترده تر شوند. از آنجا که «آگاهی» نسبت به «نیت» معیار پایین تری است و چون قصد جیانگ در رابطه با مسئولیت «صدور دستور» به دلایل مشروح فوق ثابت شده است، آگاهی جیانگ به روشنی اثبات می شود.

### ب. عمل مجرمانه

حقوق بین الملل عرفی «مساعدت عملی، تشویق یا حمایت معنوی ای که تأثیر قابل توجهی در ارتکاب جرم داشته باشد» را لازم می داند. فورونزیچا، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۳۵. قانون مربوطه «حضور فیزیکی واقعی یا کمک فیزیکی را لازم نمی داند» و «شخص می تواند از نظر جغرافیایی و زمانی فاصله داشته باشد.» تادیچ، دادگاه قضاوت، ¶ ۶۷۹ و ۶۸۷. آن می تواند «قبل، در طول یا بعد از ارتکاب فعل» روی دهد. آلیک سوسکی، دادگاه قضاوت، ¶ ۶۲. اثبات رابطه علت و معلولی بین آن فعل و ارتکاب جرم لازم نیست. آلیک سوسکی، دادگاه قضاوت، ¶ ۶۱. مساعدت متهم «نیازی نیست یک عنصر ضروری را تشکیل دهد، یعنی یک شرط لازم برای اقدامات مجرم اصلی است.» فورونزیچا، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۰۹.

از آنجا که تعریفی از «قابل توجه» وجود ندارد، مساعدت باید «تأثیری بر ارتکاب جرم داشته باشد.» تادیچ، دادگاه قضاوت، ¶ ۶۸۸. اعمال شریک جرم باید «درخصوص ارتکاب عمل جنایی توسط مجرم اصلی، تفاوت قابل توجهی را ایجاد کند.» فورونزیچا، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۳۳. به عنوان مثال، دادگاه فورونزیچا پرونده های واحدهای عملیات ویژه پلیس آلمان به نام /نیزتس گروپن (تهیه لیستی از کمونیست ها) و /زایک لون بی (تأمین گاز سمی برای یک اردوگاه کار اجباری) را به دادگاه فراخواند. نمونه های دیگر از همکاری در عمل مجرمانه مساعدت و تحریک شامل این موارد است: ارائه سلاح به مجرم اصلی، بردن مجرمان اصلی به صحنه جنایت و هدف قرار دادن افرادی که باید کشته شوند و تأمین منابع برای استفاده در جنایت. نتاکا یروتیمانان، دادگاه استیناف، ¶ ۵۳۰، کرسیتیچ، دادگاه استیناف، ¶ ۱۳۷ را مشاهده کنید.

تأیید ضمنی و تشویق قابل ملاحظه در کمک به ارتکاب یک جرم ممکن است الزامات عمل مجرمانه را برآورده سازد. این شکل از مشارکت به طور معمول در موارد «حضور مافوق» رخ می دهد که در آن حتی عمل حضور در صحنه جرم به عنوان یک «ناظر ساکت» می تواند به عنوان تأیید ضمنی و تشویق در نظر گرفته شود. بردانین، دادگاه استیناف، ¶ ۲۷۷.

<sup>۴۷</sup> طبق اساننامه دادگاه جنایی بین المللی رم، دانشگاهیان به طور کلی توافق دارند که بی مبالاتی شامل این مقوله نمی شود، چراکه عنصر اراده را که ماده ۳۰ ضروری دانسته است، ندارد. به عنوان مثال، متهم لازم نیست خودش را با مسبب جنایت «تطبیق» دهد. اما هنوز مشخص نیست که آیا مفهوم آگاهی از نتیجه احتمالی عمل را نیز شامل می شود. آگاهی از نتیجه احتمالی عمل، مستلزم آگاهی از پی آمد احتمالی یک جنایت به واسطه اعمال متهم است و همچنین لازم می داند که متهم خودش را با این پی آمد «تطبیق» دهد. سارا فینین را مشاهده کنید، اجزاء حالت های معاونت در مسئولیت، ماده ۲۵، بند ۳ و ب/ اساننامه دادگاه جنایی بین المللی رم، ۷۲-۱۷۰.

<sup>۴۸</sup> در حالی که تصمیم دادگاه تجدید نظر دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق در سال ۲۰۱۳ بیشتر ملزم دانسته است که متهم کمک خود را به فعالیت های جنایی «به طور مشخص هدایت کرده است»، پریسک، دادگاه استیناف ¶ ۳۶. دادگاه تجدید نظر از آن زمان تصمیم خود را برعکس کرده و صراحتاً این شرط را رد کرد. سایه نوبیچ، دادگاه استیناف ¶ ۱۶۵۰.

اگر وظیفه ای برای اقدام به فعل وجود داشته باشد، غفلت در انجام فعل نیز ممکن است کفایت کند، «به شرطی که این عدم انجام فعل اثری قاطع بر ارتکاب جرم داشته و اینکه آن با الزامات نیت مجرمانه پیوسته باشد.» بلاسکیچ، دادگاه قضاوت، ¶ ۲۸۴. اما دادگاه‌های ویژه، الزامات مورد نیاز برای محکومیت بر اساس غفلت در انجام فعل را به تفصیل تعیین نکرده‌اند. اوربیچ، دادگاه استیناف، ¶ ۴۳. برای موارد مربوط به غفلت در انجام فعل، به *اسلیو/نکانین*، دادگاه استیناف، ¶ ۶۳-۶۲؛ *آلک سوسکی*، دادگاه قضاوت، ¶ ۸۸-۸۷ نگاه کنید.

جیانگ زمین کمک عملی، تشویق و حمایت معنوی لازم را ایجاد کرد که اثر قابل توجهی در ارتکاب فعالیت‌های گسترده شکنجه پیروان فالون گونگ داشت. همانطور که در بالا در خصوص مسئولیت اقدام مجرمانه مشترک به تفصیل مورد بحث قرار دادیم، جیانگ، فالون گونگ را به‌عنوان هدفی برای «دوژنگ» تعیین کرد. از این رو دستوری لازم الاجرا مبنی بر انجام یک سری آزار و اذیت‌های فزاینده از جمله شکنجه صادر کرد. او با استفاده از عبارات توهین‌آمیز به سبک انقلاب فرهنگی، به‌عنوان مثال دوژنگ، *ژوان‌هو* و *جیه‌پی*، شروع آزار و اذیت و شکنجه فالون گونگ و تشدید متعاقب آن را رقم زد. او یک سلسله عملیات تبلیغاتی و دروغین را آغاز کرد که منجر به مجموعه بسیار بزرگ و درحال رشدی از کتاب‌ها و مطالب گمراه کننده ضد فالون گونگ شد که به‌دنبال متقاعد کردن مخاطبان چینی است مبنی بر اینکه فالون گونگ تهدیدی خطرناک و غیربشری برای جامعه است و باید شدیداً سرکوب یا ریشه کن شود. او نظارت و کنترل مؤثر و نفوذ قابل توجهی را بر رهبران حزب اعمال کرد که آزار و اذیت و شکنجه فالون گونگ را انجام می‌دادند. همچنین او حمایت استراتژیک، لجستیک و سیاسی خود را نسبت به رهبران حزب، کمیته‌ها، رسانه‌های تبلیغاتی، سازمان‌های دولتی و مقامات امنیتی ارائه داد. بنابراین، نه تنها کمک جیانگ اثر قابل توجهی بر شکنجه فالون گونگ داشت، بلکه به احتمال زیاد او قابل توجه‌ترین تأثیر را بر اعمال شکنجه توسط همه اشخاصی داشت که در سلسله عملیات آزاردهنده درگیر بودند.

## ۵. مسئولیت فرماندهی

مسئولیت فرماندهی که گاهی اوقات به‌عنوان مسئولیت برتر نیز به آن اشاره می‌شود، پس از جنگ جهانی دوم در قوانین جنایی بین‌المللی به طور کامل تدوین شده است. آنتونیو کسسیسه، *قانون جنایی بین‌المللی*، ص ۴۱-۲۳۶ (سال ۲۰۰۸) را مشاهده کنید. این موضوع درحال حاضر در تمام دادگاه‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، از جمله بند (۳) ماده ۷ از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، بند (۳) ماده ۶ از اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی مربوط به رواندا و در بند (۳) ماده ۶ از اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون و همچنین ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم.

بر خلاف بسیاری از دیگر رده‌های مسئولیت، مسئولیت فرماندهی، مسئول بودن از طریق ترک فعل است به این معنی که شخص از نظر جنایی مسئول است، نه به‌خاطر عملی که انجام داده است بلکه به‌خاطر انجام ندادن عملی که قانون بین‌المللی آن را الزامی می‌داند. قانون جنایی بین‌المللی نوین اثبات عناصر زیر را برای ایجاد مسئولیت مافوق لازم می‌داند: (یک) نظارت و کنترل مؤثر، (دو) آگاهی عملی یا سودمند نسبت به افعال مجرمانه و (سه) عدم انجام اقدامات لازم و منطقی. *سلیچی*، دادگاه قضاوت، ¶ ۳۷۶.

جیانگ زمین به‌وضوح از اقتدارش به‌عنوان دبیر حزب (و حتی از اقتدارش به‌عنوان رئیس جمهور و یا رئیس کمیسیون نظامی مرکزی) استفاده نکرد تا هیچ یک از اعمال غیر قانونی اعمال شده علیه پیروان معتقدان فالون گونگ در چین، از جمله شکنجه گسترده آنان، را متوقف کند. در مقابل، همه این اقدامات تحت فرمان و نظارت او انجام شد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

جیانگ زمین به‌عنوان دبیر کمیته مرکزی ح.ک.چ و به‌واسطه قدرت و نفوذی که اعمال کرد، در توسعه، ایجاد و اجرای سیاست‌ها، اهداف و استراتژی‌های سلسله عملیات «دوژنگ» علیه پیروان فالون گونگ در چین، نقش کلیدی ایفا کرده است. او به همراه دیگران در سلسله عملیات خشونت‌آمیز آزار و شکنجه و تهدید و ارباب‌تربیان‌کنندگان صلح‌آمیز و قانون‌مدار فالون گونگ، نقش راه‌اندازی، برنامه‌ریزی، تحریک، آماده‌سازی، صدور دستور، ارتکاب جنایت و کمک و همدستی را ایفا کرد. او وظیفه و مسئولیت داشت تا از جرائم، خشونت‌ها، سوء رفتارهایی که رخ داده و در سلسله مبارزات انجام شده است، ممانعت به‌عمل بیاورد. در عوض، او علناً از اهداف این سلسله مبارزات جانب‌داری کرد و از این اقدامات حمایت کرد و باعث تحریک آن شد. همانطور که یک شکایت قانونی علیه جیانگ زمین روشن خواهد ساخت که او در زمینه‌های متعدد در قبال موارد مذکور و دیگر جنایات فاحش علیه چین، مردم چین و انسانیت مسئول است.